




Strategies to Enhance Resilience Against Economic Sanctions Against Iran as a Tool of Foreign Policy

Leila Zamanianfar* , Yekta Pakniyat, Shahrzad Seraj

*Accounting Postdoctoral Researcher, Accounting Department, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran

(Received: 01/12/2023, Revised: 02/12/2023, Accepted: 29/06/2024, Published: 15/08/2024)
DOR: 20.1001.1.20086849.1403.15.2.3.2


ABSTRACT

In general, the impact of sanctions on economic sectors is undeniably crucial in increasing deterrence and reducing negative effects on the country's economy. In addition, economic sanctions have negative effects by creating chaotic conditions and chaos in the economy, and then they increase public dissatisfaction. The effectiveness of sanctions is also dependent on the economic structure of the target country, so that no matter how unfavorable the economic conditions of the target country are, the effectiveness of sanctions increases. Given this importance, this study focuses on strategies to enhance resilience against economic sanctions against Iran as a tool of foreign policy. It delves into the impact of economic sanctions on Iran's economy, society, and regional influence, providing insights into their effectiveness and long-term consequences. Also, so far in the policy environment of the country, several interpretations of resilience and neutralization of sanctions have been presented. It also describes Iran's economic diplomacy against economic sanctions. The results of this study show that economic sanctions have had a significant impact on Iran's economy. The evidence shows a clear picture of the impact of sanctions on Iran's economic performance. Therefore, as a suitable solution, the role of Iran's economy in the world economy is redefined.

Keywords: Economic Sanctions, Resilience, Neutralization of Sanctions, Resistance Economy, Economic Diplomacy

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license.

Publisher: Imam Hussein University

 Authors



* Corresponding Author Email: l.zamaniafar@yahoo.com



نشریه علمی پدافند غیرعامل

سال پانزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳، (پیاپی ۵۸): صص ۴۸-۲۷

شاپای چاپی: ۶۹۴۹-۲۰۰۸ | شاپای الکترونیکی: ۸۰۳۰-۲۹۸۰

علمی - پژوهشی

راهکارهای ارتقاء تاب‌آوری در قبال تحریم‌های اقتصادی علیه

ایران به‌عنوان ابزار سیاست خارجی

لیلا زمانیان فر^{۱*}، یکتا پاک نیت^۲، شهرزاد سراج^۳

DOR: 20.1001.1.20086849.1403.15.2.3.2

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱

چکیده

به‌طور کلی، تاثیر تحریم‌ها بر بخش‌های اقتصادی، اهمیت انکارناپذیری در راستای افزایش بازدارندگی اقتصاد کشور و کاهش اثرات منفی ناشی از آن دارد. افزون بر این، تحریم‌های اقتصادی با ایجاد شرایط نابسامان و آشفتگی در اقتصاد، اثرات منفی به‌همراه داشته و به‌دنبال آن نارضایتی عمومی را افزایش می‌دهند. از سوی دیگر، اثرگذاری تحریم‌ها به ساختار اقتصادی کشور هدف نیز وابسته است، به‌طوری که هرچه قدر شرایط اقتصادی کشور هدف نامطلوب باشد، اثرگذاری تحریم‌ها بیشتر می‌شود. با توجه به اهمیت موضوع، مطالعه حاضر، راهکارهای ارتقاء تاب‌آوری در قبال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران به‌عنوان ابزار سیاست خارجی را ارائه می‌نماید. در واقع، این مطالعه بر تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد، جامعه و نفوذ منطقه‌ای ایران متمرکز است و بینش‌هایی در مورد اثربخشی تحریم‌ها و پیامدهای بلندمدت آن ارائه می‌نماید. همچنین، با توجه به این که تا به حال در فضای سیاست‌گذاری کشور، تفاسیر متعددی از تاب‌آوری و خنثی‌سازی تحریم‌ها ارائه شده است، در ادامه مقاله، دیپلماسی اقتصادی ایران در برابر تحریم‌های اقتصادی تشریح شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد ایران داشته است. در واقع، شواهد حاکی از تصویری واضح از تأثیر تحریم‌ها بر عملکرد اقتصادی ایران است. از این رو به‌عنوان راه حل مناسبی، نقش اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی باز تعریف می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تحریم اقتصادی، تاب‌آوری، خنثی‌سازی تحریم‌ها، اقتصاد مقاومتی، دیپلماسی اقتصادی

^۱ پژوهشگر پسادکتری حسابداری، گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. (l.zamanianfar@yahoo.com) - نویسنده مسئول

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مالی و بانکداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

^۳ استادیار، گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



۱- مقدمه

تحریم‌های اقتصادی^۱ به‌عنوان ابزاری در سیاست خارجی، موضوع بحث‌های متمادی در سال‌های اخیر بوده است. این ابزار به منظور ایجاد تغییر در سیاست‌های یک دولت خارجی از طریق آسیب رساندن به اقتصاد آن‌ها در نظر گرفته شده است. هدف تحریم‌ها دستیابی به اهداف مختلفی از جمله مبارزه با تروریسم^۲، عدم اشاعه^۳، دموکراسی^۴ و ارتقای حقوق بشر^۵ و حل مناقشه^۶ است [۱]. تحریم‌ها همچنین، می‌توانند دسترسی یک دولت را به سیستم مالی بین‌المللی محدود کنند، دارایی‌های تحت صلاحیت یک کشور را مسدود کنند، یا صادرات خاصی را ممنوع نمایند. بسیاری از سیاست‌گذاران تحریم‌های اقتصادی را ابزار انتخابی برای پاسخ به چالش‌های ژئوپلیتیکی^۷ مهم در کشورهای مختلف از جمله ایران، ونزوئلا، روسیه و اوکراین می‌دانند [۲]. افزون بر این، تحریم‌ها به سرعت در حال مبدل شدن به یک ابزار سیاست خارجی و جایگزینی برای قدرت نظامی هستند. در سال‌های اخیر، ایالات متحده تحریم‌های مالی را علیه شرکت‌ها و افراد در روسیه، میانمار، نیکاراگوئه، ونزوئلا و ایران اعمال نمود. یکی از اثرات تحریم‌ها می‌تواند عدم دسترسی به سرمایه خارجی باشد [۳].

از سویی، یکی از بارزترین مناقشاتی که در آن تحریم‌های اقتصادی به کار گرفته شده، مناقشه ایران و غرب است. انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ تغییر چشمگیری در سیاست خارجی ایران در قبال غرب به ویژه ایالات متحده داشت. ایران قبل از انقلاب، متحد نزدیک آمریکا و یکی از ضامنان منافع آمریکا در منطقه بود [۴]. با این حال، پس از انقلاب، دولت جدید از نفوذ ایالات متحده رضایتی نداشت و بنابراین، سیاست «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» را اعلام نمود [۵]. این موضوع آغاز درگیری طولانی مدت بین ایران و ایالات متحده بود که تاکنون نیز ادامه دارد. از سال ۱۹۸۴، اقتصاد ایران تحت تحریم‌های مختلف

^۱ Economic sanctions

^۲ Counterterrorism

^۳ Non-proliferation

مفهوم «مع اشاعه» به سیاست‌ها و اقدام‌هایی اشاره دارد که در سطوح ملی و بین‌المللی در جهت اعمال نظارت و کنترل بر جریان انتقال سلاح‌های کشتار جمعی و تکنولوژی‌های پیشرفته مربوط شکل می‌گیرد. بر این مبنا، این مفهوم از ارتباط ماهوی خاصی با ترتیبات چند جانبه ناظر بر صدور تکنولوژی برخوردار است، نهادهای بین‌المللی که از بعد نظری در چارچوب "نظریه‌ی رژیم‌های بین‌المللی امنیتی" معنا می‌یابد [۷].

^۴ Democracy

^۵ Human rights promotion

^۶ Conflict resolution

^۷ Geopolitical challenges

اقتصادی ایالات متحده با دامنه و شدت فزاینده قرار گرفته است. این تحریم‌ها ابتدا بر روی ممنوعیت فروش تسلیحات آمریکایی و فناوری‌های دوگانه اعمال شد، اما به تدریج گسترش یافت و شامل تحریم کامل تجارت و سرمایه‌گذاری دوجانبه^۸ شد. علاوه بر این، ایالات متحده چندین کشور غربی را به منظور تحریم‌های چندجانبه علیه ایران که برای بیش از سه دهه ستون ثابت سیاست خارجی غرب علیه ایران بوده، با نظر خود هم‌راستا نموده است [۶]. به اعتقاد تاکی و مالونی^۹ فشار بر اقتصاد ایران افزایش یافت و منجر به کاهش سریع نرخ رشد شد که در سال ۲۰۱۱ به ۶٫۶- درصد رسید [۷]. در ادامه، این وضعیت وخیم رویکردهای سیاستی جدید و محتاطانه تری را برانگیخت که منجر به مذاکره درباره توافقنامه ژنو بین ایران و گروه ۵+۱ (ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، روسیه، چین و آلمان) شد [۸]. این قرارداد راه را برای کاهش تحریم‌های اقتصادی اعمال شده بر ایران و بهبود روابط خارجی با برخی کشورهای اروپایی باز نمود [۷]. در نهایت، از زمان‌های گذشته تا به امروز، تحریم‌ها، سلاح قدرتمندی برای دستیابی کشورها به اهداف سیاسی‌شان است. به طور کلی، تحریم‌ها اعمال محدودیت‌های خاصی علیه بعضی کشورها، شرکت‌های خاص و یا اشخاص است که به عنوان پاسخی در برابر هر اقدامی از سمت هدف مورد نظر استفاده می‌شوند. این موانع و محدودیت‌ها نه تنها حیطة خاصی از اقتصاد و توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه می‌تواند دامنه دار نیز باشد که اصلی‌ترین هدف تحریم‌ها، ایجاد شرایط سخت و نامطلوب برای اقتصاد کشور و حوزه‌های مرتبط با آن در سطح فدرال و منطقه‌ای است. در نتیجه، کشور هدف مجبور به تغییر راهبرد رفتار مورد نظر می‌شود. دامنه تأثیر تحریم‌های اقتصادی، ممکن است بسیار فراتر از محدوده اقتصاد یک کشور باشد؛ به طوری که می‌تواند علاوه بر وارد کردن ضربه بر پیکره اقتصاد، بر سیاست و فرهنگ و رفاه اجتماعی کشور هدف نیز، اثر منفی بگذارد. کشور ایران نیز همواره تحت فشار تحریم‌های بسیاری بوده است. بنابراین، به دلیل تحریم‌های بسیاری که در طول سال‌ها بر ایران اعمال شده است، همواره دغدغه بسیاری از اقتصاددانان این بوده است که این تحریم‌ها بر اقتصاد کشور چگونه اثر می‌گذارد. ابعاد اقتصادی و حقوقی تحریم‌ها و همچنین تنوع آن‌ها، ارزیابی دلالت‌های مرتبط با تحریم بر متغیرهای کلان اقتصادی را دشوار می‌سازد [۹]. با توجه به تحریم‌های ظالمانه‌ای که بر اقتصاد ایران وضع شده است، در مطالعه حاضر، راهکارهای ارتقاء تاب‌آوری در قبال تحریم‌های

^۸ Bilateral Trade and Investment

^۹ Takeyh and Maloney

سیاست خارجی می‌پردازد. در نهایت، بخش بحث و نتیجه‌گیری یافته‌ها ارائه می‌شود و بینش‌هایی درباره اثربخشی تحریم‌ها و پیامدهای بلندمدت معرفی می‌گردد.

۲- روش پژوهش

به طور کلی، مطالعه حاضر، بر روی مطالعات موردی مختصر در مورد تحریم اقتصادی متمرکز است. مقاله حاضر، مبتنی بر روش پژوهش اسنادی با تکیه بر تحقیقات کتابخانه‌ای و استنتاج منطقی حاصل از مقایسه گزاره‌های علمی انجام شده که نتیجه آن توسعه دانش اقتصادی، پدافند و اقتصاد مقاومتی است. هدف مقاله حاضر آن است که به بیان راهکارهای ارتقاء تاب‌آوری در قبال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران به‌عنوان ابزار سیاست خارجی بپردازد.

۳- مبانی نظری و دانشی

بررسی مبانی نظری مرتبط با پژوهش حاضر حاکی از آن است که موضوع تحریم‌های اقتصادی و مباحث مرتبط با آن همواره مورد استقبال پژوهشگران بوده است. بر همین مبنا، در این بخش از جدیدترین و مرتبط‌ترین مبانی نظری بهره گرفته شده است.

۳-۱- تحریم اقتصادی

به‌طور کلی، تحریم اقتصادی از آن دسته مفاهیمی می‌باشد که گرچه دارای ماهیتی سیاسی در سطح روابط بین‌الملل می‌باشد، ولی همواره خود را به شکل حقوقی متجلی می‌کند. این‌گونه تحریم‌ها که در عرصه اقتصاد بین‌الملل ظهور می‌یابند، به‌عنوان حربه‌ای از سوی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی علیه یک کشور به کار می‌رود [۱۱]. در نگاه سنتی، تحریم‌ها به منظور کاهش منابع در دسترس دولت هدف و در نتیجه آن، کاهش دارایی عمومی و ایجاد حس محرومیت در جامعه هدف اعمال می‌شدند و عقیده بر این بود که اگر مردم به اندازه کافی رنج ببرند، به دولت خود فشار خواهند آورد تا با تغییر رفتار موجب برچیده شدن تحریم‌ها شود [۱۲].

افزون بر این، تحریم‌های اقتصادی به ابزاری محبوب برای دولت‌ها برای حل مناقشات بین‌المللی تبدیل شده است. این تحریم‌ها که شامل محدود کردن یا توقف فعالیت اقتصادی با یک کشور هدف است، می‌تواند به طور قابل توجهی بر اقتصاد، سیاست و جامعه کشور هدف تأثیر بگذارد. ایران کشوری است که دهه‌ها مورد تحریم اقتصادی جامعه بین‌المللی بوده است [۱۳].

اقتصادی علیه ایران به‌عنوان ابزار سیاست خارجی، مورد بررسی قرار می‌گیرند. در واقع، این پژوهش سعی دارد به این سوال، پاسخ دهد که آیا تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان ابزار سیاست خارجی علیه ایران، برای حل و فصل مناقشات بین‌المللی، موفق به کاهش توان اقتصادی و مالی ایران شده یا منجر به تغییر در سیاست خارجی این کشور در قبال همسایگان خود در منطقه شده است یا خیر؟ افزون بر این، مطالعه حاضر، تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر عملکرد اقتصادی ایران را مورد کنکاش قرار می‌دهد. اهمیت مطالعه حاضر، ناشی از کمبود مطالعات در مورد تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر مسیر نقش تاب‌آوری در شرایط تحریم‌های اقتصادی علیه ایران به‌عنوان ابزار سیاست خارجی، به ویژه با افزایش علاقه به مداخلات غیرنظامی برای حل و فصل اختلافات سیاسی بین‌المللی است.

افزون بر این، پدافند غیرعامل و اقتصاد مقاومتی از جمله مفاهیم مهم و اساسی در ادبیات اقتصاد ایران هستند. این دو مقوله در سال‌های اخیر سهم زیادی از پژوهش‌های اقتصادی را به خود اختصاص داده‌اند [۱۷۲]. در کنار بحث‌های جاری میان سیاست‌گذاران درباره اثربخشی برنامه‌های تحریم‌های گسترده، پژوهشگران دانشگاهی به دنبال ارائه بینشی در مورد چگونگی تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد سیاسی ایران بوده‌اند. ادبیات مربوط به توجیهات سیاسی و اثرات تحریم‌ها گسترده است. پژوهشگران بیان می‌کنند که چگونه نخبگان ایران دکترین «مقاومت» و «دیپلماسی اقتصادی» را اتخاذ کرده و نهادهای سیاسی و امنیتی کشور را اصلاح کرده‌اند و در نتیجه اثر قهری این اقدامات را کاهش داده‌اند. پژوهشگران داخلی نیز به این موضوع بارها اشاره نموده‌اند. به عنوان نمونه، خبرگزاری ریانووستی^۱ در گزارشی با عنوان «تحریم ایران منجر به تقویت خودکفایی این کشور شد» به نقل از رهبر انقلاب اسلامی نوشت: آمریکا با اعمال تحریم‌ها علیه ایران می‌خواست رشد اقتصادی این کشور را متوقف کند اما در عمل منجر به خودکفایی ایران شد [۱۰].

این مقاله به چندین بخش ساختار یافته تقسیم شده است. پس از مقدمه، روش‌شناسی پژوهش ارائه می‌شود. در ادامه، مبانی نظری و دانشی مرور می‌شود. سپس، در بخش تحلیلی، از یک مدل توصیفی برای نشان دادن تأثیر تحریم‌ها بر رشد اقتصادی، نرخ ارز، صادرات نفت، مخارج دولت و غیره استفاده می‌شود. همچنین، بخش تحلیل موضوعی به بررسی راهکارهای ارتقاء تاب‌آوری در قبال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران به‌عنوان ابزار

^۱ Rianovosti

برخی دیگر کارآیی آن‌ها را زیر سوال می‌برند و به تأثیر منفی آن‌ها بر کشور هدف و اقتصاد آن اشاره می‌کنند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که اثربخشی تحریم‌های اقتصادی به عوامل مختلفی از جمله مقاومت سیاسی و اقتصادی کشور هدف، میزان حمایت بین‌المللی از تحریم‌ها و نوع و دامنه تحریم‌های اعمال شده بستگی دارد [۱۷]. بررسی مطالعات مربوطه در مورد تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر کشور هدف و اقتصاد آن نشان می‌دهد که تحریم‌ها می‌تواند پیامدهای منفی قابل توجهی برای کشور هدف داشته باشد، از جمله کاهش رشد اقتصادی، افزایش تورم و کاهش جریان سرمایه‌گذاری خارجی [۱۷]. تحریم‌ها همچنین می‌توانند تأثیر مخربی بر جمعیت کشور هدف، به‌ویژه بر گروه‌های آسیب‌پذیر مانند کودکان داشته باشند [۱۸].

به عنوان نمونه، کوبا و کره شمالی برای چندین دهه تحت تحریم‌های اقتصادی قرار گرفته‌اند. در مورد کوبا، ایالات متحده از سال ۱۹۶۰ تحریم تجاری این کشور را اعمال کرده است. هدف از این تحریم فشار بر دولت کوبا برای احترام به حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی است؛ اما محاصره، اقتصاد کوبا را ویران کرده است. دولت کوبا تخمین می‌زند که تحریم بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار بابت از دست دادن فعالیت‌های اقتصادی برای این کشور هزینه داشته است [۱۹]. این محدودیت‌ها همچنین به کمبود مواد غذایی، دارو و سایر کالاهای ضروری کمک کرده است که منجر به نرخ بالای سوء تغذیه و بیماری در میان جمعیت کوبا شده است. در حالی که برخی استدلال می‌کنند که تحریم به ارتقای تغییرات سیاسی در کوبا کمک کرده است، برخی دیگر می‌گویند که عزم دولت کوبا را تقویت کرده و به انزوای اقتصادی و سیاسی مداوم آن از جامعه بین‌المللی کمک کرده است [۲۰].

در مقابل، کره شمالی از سال ۲۰۰۶ به دلیل برنامه تسلیحات هسته‌ای این کشور و نقض حقوق بشر مورد تحریم‌های متعددی قرار گرفته که توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد اعمال شده است [۲۰]. تحریم‌ها اکثر معاملات تجاری و مالی با کره شمالی را ممنوع کرده و تحریم تسلیحاتی را اعمال نموده است. در حالی که تحریم‌ها اقتصاد کره شمالی را تحت تأثیر قرار داده است، این کشور با افزایش تجارت خود با چین و استفاده از انواع تاکتیک‌ها برای فرار از تحریم‌ها، مانند قاچاق و حملات سایبری، توانسته خود را با تحریم‌ها وفق دهد. اگرچه تحریم‌ها تا حدی بر توانایی کره شمالی برای توسعه برنامه تسلیحات هسته‌ای این کشور تأثیر گذاشته است، اما به انزوای سیاسی و اقتصادی این کشور از جامعه بین‌المللی نیز کمک کرده و به دلیل کمبود مواد غذایی و سایر کالاهای ضروری به مردم این کشور آسیب رسانده

به اعتقاد ایلر^۱ اصطلاح تحریم‌های اقتصادی، کاهش یا متوقف نمودن یا تهدید به توقف روابط اقتصادی، تجاری و مالی متعارف با کشور هدف از سوی دولت تحریم کننده است. همچنین، در مورد ایران این موضوع بایستی مدنظر قرار گیرد که از نظر نوع و راهبرد تحریم‌ها، می‌توان تحریم‌ها را به هفت نوع تقسیم کرد: (۱) توقیف اموال و دارایی‌های افراد و سازمان‌های ایرانی در خارج، (۲) تحریم تجاری (صادرات و واردات) سرمایه‌گذاری غیر از نفت، (۳) تحریم دانش و فناوری، (۴) تحریم نفتی، (۵) تحریم مالی، بانک‌های تجاری و بانک مرکزی، (۶) تحریم تعامل و داد و ستد با افراد، ارگان‌ها و سازمان‌های معین و مشخص ایرانی، (۷) تحریم‌های اتحادیه اروپا و سازمان‌های بین‌المللی [۱۴].

در ادامه، این بخش به بررسی تحریم‌ها به عنوان ابزاری برای حل مناقشات بین‌المللی و مروری تاریخی بر تحریم‌های اقتصادی علیه ایران می‌پردازد.

۳-۲- تحریم‌های اقتصادی به عنوان ابزاری برای حل و فصل منازعات بین‌المللی

تحریم‌های اقتصادی ابزار سیاست خارجی است که تجارت و معاملات مالی با کشور هدف را محدود یا ممنوع می‌کند تا بدین‌وسیله بر رفتار کشورهایی که (از نظر آن‌ها) هنجارهای بین‌المللی را نقض می‌کنند، تأثیرگذار باشد [۱۵]. آن‌ها اغلب برای دستیابی به اهداف سیاسی یا اقتصادی اعمال می‌شوند و می‌توانند پیامدهای گسترده‌ای هم برای کشور هدف و هم برای کشورهای اعمال کننده تحریم داشته باشند. تحریم‌ها می‌توانند اشکال مختلفی داشته باشند، از جمله محدودیت‌های تجاری، مجازات‌های مالی و ممنوعیت سفر. درحالی‌که هدف تحریم‌ها تحت فشار قرار دادن کشور هدف برای تغییر رفتار آن است، تأثیر تحریم‌ها بسته به اقتصاد کشور هدف، سیستم سیاسی و تحریم‌های خاص اعمال شده می‌تواند بسیار متفاوت باشد. از نظر تاریخی، استفاده از تحریم‌های اقتصادی به عنوان ابزار سیاست بین‌الملل را می‌توان به جنگ جهانی اول ردیابی کرد، زمانی که متفقین و قدرت‌های وابسته جنگ اقتصادی بی‌سابقه‌ای را علیه امپراتوری‌های آلمان، اتریش، مجارستان و عثمانی به راه انداختند [۱۶]. در طول زمان، سیاست‌گذاران و پژوهشگران درباره اثربخشی تحریم‌های اقتصادی برای حل و فصل منازعات بین‌المللی بحث کرده‌اند. در حالی که برخی استدلال می‌کنند که تحریم‌ها می‌توانند به طور موثر به اهداف سیاسی و اقتصادی دست یابند،

^۱ Eylar

کشورها از آن استفاده می‌کنند. با این وجود، تأثیر تحریم‌های اقتصادی بسته به کشور هدف و تحریم‌های خاص اعمال شده می‌تواند متفاوت باشد [۲۸].

همان‌طور که در موارد فوق بیان شد، تأثیر تحریم‌ها متفاوت بوده است. در حالی که تحریم‌ها می‌توانند راهی مؤثر برای دستیابی به اهداف سیاسی باشند، اما اغلب هزینه بالایی برای جمعیت کشور مورد نظر دارند. بنابراین، سیاست‌گذاران باید احتیاط کنند و تأثیر بالقوه تحریم‌ها را قبل از اعمال آن‌ها به‌طور کامل در نظر بگیرند [۲۹].

۳-۳- مروری تاریخی بر تحریم‌های اقتصادی علیه ایران

ایران کشوری است که شدیدترین تحریم‌های اقتصادی را تجربه کرده است. از زمان انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، ایران هدف تحریم‌های کشورهای مختلف به ویژه ایالات متحده بوده است. این تحریم‌ها به طور قابل توجهی بر اقتصاد و جامعه ایران تأثیر گذاشته و منبع اصلی تنش بین ایران و جامعه بین‌المللی بوده است [۳۰]. ایالات متحده اولین تحریم‌ها را علیه ایران در واکنش به بحران گروگان‌گیری سال‌های ۱۹۸۱-۱۹۷۹، اعمال نمود که در آن دانشجویان ایرانی دیپلمات‌های آمریکایی را در سفارت آمریکا در تهران گروگان گرفتند. این تحریم‌های اولیه از نظر دامنه و تأثیر نسبتاً محدود بودند، اما زمینه را برای یک کارزار فشار اقتصادی گسترده‌تر و پایدارتر علیه ایران فراهم کردند [۴]. در طول سال‌ها، دامنه و شدت تحریم‌ها علیه ایران گسترش یافته است. ایالات متحده به ویژه در هدف قرار دادن اقتصاد ایران تهاجمی بوده است، با اقدامات مختلفی که توانایی ایران را برای تجارت و تامین مالی فعالیت‌هایش محدود می‌کند [۱۹]. برخی از مهم‌ترین تحریم‌ها علیه ایران عبارتند از: قانون تحریم جامع ایران (آیسا)^۱ در سال ۱۹۹۶: این قانون به دولت ایالات متحده اجازه می‌دهد تا هر شخص یا نهادی را که بیش از ۴۰ میلیون دلار در بخش انرژی ایران سرمایه‌گذاری کند در هر ۱۲ ماه تحریم کند. این قانون همچنین شرکت‌های آمریکایی را از تجارت با ایران منع می‌کند و محدودیت‌هایی را برای صادرات کالا و فناوری به ایران اعمال می‌کند. با افزایش نگرانی‌ها در مورد برنامه هسته‌ای ایران، اتحادیه اروپا و سازمان ملل در دهه ۲۰۰۰ تحریم‌ها علیه ایران را آغاز نمود. در سال ۲۰۰۶، شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۱۶۹۶ را تصویب کرد که در آن از ایران

است، و همچنین ارسال کمک به کشور را برای سازمان‌های بشردوستانه دشوارتر کرده است [۲۱]. به طور مشابه، ایالات متحده و چندین کشور دیگر از سال ۲۰۱۵ در پاسخ به بحران سیاسی و اقتصادی این کشور، تحریم‌های اقتصادی مختلفی را علیه ونزوئلا اعمال کرده‌اند [۲۲]. تأثیر این تحریم‌ها بر اقتصاد و جمعیت ونزوئلا شدید بوده است. صادرات نفت این کشور که منبع درآمد قابل توجهی بود به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. این امر منجر به کمبود ارز شده و واردات کالاهای ضروری مانند غذا و دارو را برای کشور دشوار کرده است. نرخ تورم در ونزوئلا نیز سر به فلک کشیده و مردم را در تهیه مایحتاج خود با مشکل روبه رو نموده است [۲۳]. با این وجود، تأثیر تحریم‌ها بر وضعیت سیاسی ونزوئلا کمتر مشخص بوده است. در حالی که تحریم‌ها، دولت ونزوئلا را برای مذاکره با مخالفان تحت فشار قرار داده است، اما پیامدهای ناخواسته‌ای نیز به همراه داشته است. به عنوان نمونه، تحریم‌ها روابط بین ونزوئلا و سایر کشورها مانند روسیه و چین را تقویت نموده است که مشمول تحریم‌های مشابه نیستند [۲۰].

از سوی دیگر، سومالی از سال ۱۹۹۲ به دنبال فروپاشی دولت سومالی، تحت تحریم‌های هدفمند و جامع اعمال شده توسط ایالات متحده و شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار گرفته است [۲۴]. هدف از این تحریم‌ها مختل کردن فعالیت سازمان‌های تروریستی در سومالی مانند الشباب عنوان شده است. با این حال، تأثیر این تحریم‌ها عمدتاً توسط سومالیایی‌های عادی احساس شده که از منابع حیاتی درآمد و کمک‌های بشردوستانه محروم شده‌اند. تحریم‌ها همچنین مانع از توانایی سومالی برای بازسازی اقتصاد و نهادهای خود شده است [۲۵].

در نهایت عراق کشور دیگری است که تأثیر منفی تحریم‌های اقتصادی را تجربه کرده است. پس از جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، سازمان ملل متحد تحریم‌های اقتصادی جامعی را علیه عراق اعمال نمود تا صدام حسین را مجبور به تبعیت از قطعنامه‌های سازمان ملل کند [۲۶]. تحریم‌ها توانایی این کشور برای تجارت با سایر کشورها را هدف قرار داد که واردات کالاهای ضروری را برای عراق دشوار نمود. مردم از سوء تغذیه و بیماری رنج می‌بردند و بسیاری از کودکان جان خود را از دست داده‌اند. تحریم‌ها همچنین مانع از واردات تجهیزات لازم برای بازسازی زیرساخت‌های عراق شد و این امر مانع از بهبود اقتصادی این کشور شد [۲۷]. در پایان، تحریم‌های اقتصادی ابزار قدرتمندی است که کشورها برای اعمال فشار سیاسی بر سایر

^۱ The Iran Sanctions Act of 1996 (ISA)

داشته و عمدتاً به‌عنوان یک ژست نمادین عدم تأیید به جای ابزاری عملی برای تغییر سیاست‌های ایران عمل کرده است [۳۶]. به طور کلی، تاریخچه تحریم‌های اقتصادی علیه ایران پیچیده و چندوجهی است که منعکس‌کننده تنش‌ها و درگیری‌های مداوم بین ایران و جامعه بین‌المللی برای چندین دهه است. تاثیر این تحریم‌ها بر اقتصاد و جامعه ایران قابل بحث است، علی‌رغم چالش‌های اقتصادی و سیاسی مهم ناشی از تحریم‌ها، ایران اقدامات موثری را برای کاهش اثرات و سازگاری با واقعیت‌های جدید اقتصادی اتخاذ کرده است. با این وجود، پیامدهای بلندمدت تحریم‌ها همچنان نامشخص است و اثربخشی آن‌ها در دستیابی به اهداف سیاست خارجی و نتایج ناخواسته آن‌ها باید به طور مستمر ارزیابی شود. همچنین، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۹، سه تن و ۱۶ نهاد جمهوری اسلامی (از جمله، موسسه دانش بنیان برکت و آستان قدس رضوی و ...) را تحریم کرد. آمریکا در ۲۵ اکتبر ۲۰۱۹ یک کانال مالی برای نظارت بیشتر بر خرید و فروش دارو از ایران و جلوگیری از عملیات پوششی در قالب خرید موشک بالستیک ایجاد کرد. افزون بر این، در دسامبر ۲۰۲۰، به گفته رئیس بانک مرکزی ایران، به دلیل تحریم‌های آمریکا علیه بانک‌های ایرانی، ایران نتوانست، هزینه واکسن کووید-۱۹ را بپردازد. موارد بیان شده نمونه‌ای از تحریم‌های وضع شده علیه ایران است.

در نهایت از آن‌جاکه کشورها برای رسیدن به رشد اقتصادی مطلوب به روابط تجاری با یکدیگر نیاز دارند، لذا تحریم‌ها علیه ایران می‌تواند رشد اقتصادی را کند نماید و کشور را از رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز باز دارد. به طور کلی تحریم‌ها از سه طریق بر اقتصاد ایران اثر گذاشته است:

۱. تحریم نفتی: به طوری که به کاهش شدید صادرات نفت و درآمدهای نفتی منجر شد.
۲. ممنوعیت تجارت: به طوری که بسیاری از کالاهای سرمایه‌ای و نهایی در لیست تحریم‌ها قرار گرفته و تبادلات بانکی دشوار شده است (مهرگان و کردبچه، ۱۳۹۶).
۳. افزایش شدید نرخ ارز: به طوری که قیمت کالاهای وارداتی مواد سرمایه‌ای و واسطه‌ای وارداتی برای بنگاه‌ها و قیمت کالاهای وارداتی مصرف‌کنندگان را افزایش داده است [۳۷].

۳-۴- تجزیه و تحلیل تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر عملکرد اقتصادی ایران از دیدگاه غرب

تجزیه و تحلیل تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر عملکرد اقتصادی ایران با استفاده از نتایج و شواهد مطالعات انجام شده در این

خواسته شد تا فعالیت‌های غنی سازی اورانیوم خود را متوقف کند، در غیر این صورت با تحریم مواجه خواهد شد. سال بعد، سازمان ملل قطعنامه ۱۷۳۷ را تصویب کرد که بر اساس آن برنامه‌های موشکی هسته‌ای و بالستیک ایران تحریم شد [۳۱]. در سال ۲۰۱۰، ایالات متحده قانون جامع تحریم، مسئولیت‌پذیری و منع سرمایه‌گذاری ایران^۱ را به تصویب رساند که تحریم‌های موجود را گسترش داد و بخش انرژی ایران را هدف قرار داد [۳۲]. اتحادیه اروپا همچنین تحریم‌هایی را بر بخش انرژی ایران و بخش‌های مالی و حمل و نقل آن اعمال کرد [۳۳]. در سال ۲۰۱۲، ایالات متحده قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه^۲ را تصویب کرد که تحریم‌ها را بیشتر کرد و بانک مرکزی ایران را هدف قرار داد. اتحادیه اروپا همچنین تحریم‌های بیشتری را علیه ایران اعمال کرد، از جمله تحریم صادرات نفت ایران [۸]. علیرغم این تحریم‌ها، ایران به برنامه هسته‌ای خود ادامه داد که منجر به تصویب قطعنامه‌های بیشتر شورای امنیت سازمان ملل و تحریم‌های اضافی شد. ایران در سال ۲۰۱۵ به توافق هسته‌ای با آمریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، چین و روسیه موسوم به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) دست یافت که در ازای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران، برخی از تحریم‌ها را لغو کرد [۳۴]. در سال ۲۰۱۸، ایالات متحده از برجام خارج شد و تحریم‌ها را دوباره علیه ایران اعمال نمود و صادرات نفت و بخش بانکی ایران را هدف قرار داد. از سوی دیگر اتحادیه اروپا تلاش کرد تا توافق را حفظ کند و ابزار حمایت از مبادلات تجاری^۳ را ایجاد نمود تا تجارت با ایران خارج از سیستم مالی جهانی تحت تسلط ایالات متحده را فراهم کند [۳۵]. علیرغم فشارهای اقتصادی و سیاسی قابل توجهی که به واسطه تحریم‌ها وارد شده است، ایران به خواسته‌های بین‌المللی مبنی بر کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای خود یا تغییر سیاست‌های خود در سایر زمینه‌ها توجهی نکرده است. برخی از تحلیلگران استدلال می‌کنند که تحریم‌ها عزم سیاست‌گذاران ایران را تقویت کرده است، زیرا آن‌ها تحریم‌ها را دلیلی بر خصومت و امپریالیسم غرب می‌دانند. برخی دیگر استدلال می‌کنند که تحریم‌ها تأثیر محدودی بر رفتار ایران

¹ Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act (CISADA)

به موجب این قانون هر شخص حقیقی یا حقوقی اعم از مؤسسات مالی ایرانی یا خارجی که با فعالیت خود موجب تسهیل دستیابی ایران به سلاح‌های با قدرت تخریب بالا شده، یا فعالیت اشخاصی را تسهیل کند که به موجب قطع نامه‌های ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) در فهرست تحریم‌های مالی قرار گرفته‌اند، مشمول تحریم‌های موضوع قانون فوق خواهد شد.

² Threat Reduction and Syria Human Rights Act (ITRSHRA)

³ Instrument in Support of Trade Exchanges (INSTEX)

حوزه صورت می‌گیرد و شامل چند بخش می‌باشد که در ادامه ارائه می‌شود.

۳-۴-۱- عملکرد و رشد اقتصادی

تحریم‌ها سابقه طولانی دارند، اما پس از جنگ جهانی دوم بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. تحریم‌های اقتصادی نوعی نیروی سیاسی است که جایگزین استفاده از نیروی نظامی می‌شود. بر طبق گفته کارتر^۱، تحریم‌های اقتصادی نوعی اجبار علیه یک یا چند کشور است که به منظور تامین اهداف سیاسی شکل می‌گیرد و تغییر سیاست دولت برای ایجاد تحریم‌های اجباری را می‌طلبد. از نظر دیویدسون^۲ رژیم تحریم‌ها زمانی موفق می‌شود که کشورهای تحریم شده هزینه‌های بیشتری را متحمل شوند یا تحریم، ظرفیت‌های آن‌ها را تهدید کند [۳۸].

بارزترین ویژگی تحریم‌های اقتصادی محدودکننده تجارت، ارتباط آن با شرایط خارجی است. این محدودیت‌ها می‌تواند شامل خرید و فروش محصولات و عوامل تولیدی مانند فناوری باشد. این شرایط سخت، نیاز به ارتباط با شرکای تجاری دارد و چنین معامله‌ای با بانک مرکزی نیست. علاوه بر این، تحریم‌های یک جانبه علیه ایران، تحریم‌های آمریکا، شورای امنیت سازمان ملل و تحریم‌های چندجانبه در نظر گرفته شده است. اما تحریم‌های یک جانبه آمریکا و اروپا گسترده‌تر هستند و همه حوزه‌های کلیدی اقتصاد ایران را تحت تاثیر قرار می‌دهند. آن‌ها حتی سایر دولت‌ها را نیز تحت فشار قرار می‌دهند تا به تحریم‌های یک جانبه آن‌ها بپیوندند. اگر اجماع جهانی یا کشورهای توافق‌کننده، کشوری را به تبعیت از تحریم‌های بین‌المللی، تحریم نمایند، آن کشور از قیمت‌های بالا و کمبود کالا و خدمات رنج خواهد برد. البته زمانی که اقتصاد آسیب‌پذیر است، تحریم‌های یک‌جانبه موفقیت آمیز خواهد بود. از طرف دیگر تحریم‌های اقتصادی آمریکا و اتحادیه اروپا علاوه بر مبادلات تجاری، روابط مالی را نیز در بر گرفته است. به این مفهوم که علاوه بر قطع و محدود نمودن انواع روابط واردات و صادرات با ایران، محدودیت‌ها و فشارهایی بر روابط مالی ایران نیز ایجاد کردند. بنابراین، علاوه بر محدود کردن تجارت بین‌المللی، سرمایه‌گذاری‌ها، مبادلات مالی حتی بانک‌ها و شرکت‌های بیمه را نیز در نظر گرفته‌اند. در این راستا نخستین اثر تحریم صرف وقت و انرژی برای تغییر تشریفات تجاری و مالی است. تغییر بازارها هزینه زمانی و مالی فراوانی در

بر دارد، در حالی که با تحریم بازار خرید به اجبار کالاهای مشابه با قیمت بالاتر خریداری می‌شود، بنابراین، قدرت خرید پول کاهش می‌یابد. در این شرایط فرصت‌های سرمایه‌گذاری از دست رفته و ریسک آن‌ها افزایش می‌یابد. به طور خلاصه، مانعی در مسیر طبیعی معاملات بین‌المللی کشور تحریم شده ایجاد می‌شود که برای رفع آن مانع یا آثار ناشی از آن باید هزینه‌های زیادی صرف شود. بدیهی است، تمام موارد بیان شده می‌تواند باعث کاهش رشد و توسعه اقتصادی شود [۳۹].

تحریم‌های اقتصادی ممکن است بر رشد اقتصادی کشور تأثیر بگذارد. یکی از عواملی که رشد اقتصادی را تضمین می‌کند، سرمایه‌گذاری است [۴۰]. پس از توقف خرید نفت ایران توسط سایر کشورها بر اساس تحریم‌های اخیر، درآمد نفتی ایران به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. البته تحریم‌های نظام بانکی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز باعث تشدید چالش مذکور شده است، زیرا، در اثر این تحریم‌ها، دریافت درآمدهای ارزی نیز با مشکل مواجه شده است. کاهش درآمدهای ارزی ناشی از تحریم‌های انجام شده، بر حوزه‌های اقتصاد کلان تأثیر می‌گذارد که تأثیر متقابل این متغیرها بر یکدیگر، فضای اقتصاد کلان را بی‌ثبات خواهد نمود. افزون بر این، تحریم‌ها بر سایر متغیرهای اقتصادی کشور نیز اثرگذار است که در این خصوص در نظر گرفتن شرایط زیر قابل تامل است:

۱. با توجه به کاهش درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی کاهش و کسری بودجه افزایش می‌یابد. به موازات کاهش درآمدهای ارزی، واردات کالاهای واسطه‌ای کاهش یافته و به دنبال آن، توان تولیدی بخش‌های اقتصادی کاهش یافته و از میزان مالیات اخذ شده از بخش‌های تولیدی کاسته می‌شود (در نتیجه این دو مورد، هم تولید ناخالص داخلی و هم درآمدهای دولت از محل مالیات کاهش می‌یابد).

۲. در اثر کاهش درآمدهای نفتی، ذخایر ارزی کشور به شدت کاهش می‌یابد. در صورتی که در میان مدت راهکاری برای جبران این کاهش از طریق جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه صادرات غیرنفتی اتخاذ نشود، بانک مرکزی با کسری شدید ارز مواجه می‌شود. این کسری عرضه در بازار ارز بدون شک، منجر به افزایش قیمت ارز و به تبع آن افزایش هزینه صادرات چه در کالاهای مصرفی و چه در کالاهای واسطه‌ای و در نتیجه تورم می‌شود. از سوی دیگر، هزینه‌های دولتی به دلیل کسری درآمدهای نفتی کاهش می‌یابد و این امر باعث کاهش تولید ناخالص داخلی می‌شود. این بدان معناست که اقتصاد تحت تأثیر

¹ Carter

² Davidsson

رکود تورمی است [۴۱].

به بیان دیگر، کاهش درآمدهای نفتی منجر به کاهش درآمدهای نفتی دولت و افزایش کسری بودجه می‌گردد، از سوی دیگر، منجر به کاهش واردات رسمی و کاهش درآمدهای مالیات بر واردات و افزایش کسری بودجه می‌شود و همچنین، بر کاهش مالیات بر فعالیت‌های اقتصادی داخلی در نتیجه کاهش واردات مواد اولیه و واسطه‌ای و افزایش کسری بودجه اثرگذار است.

افزون بر این، توجه به شواهد مطالعات این حوزه قابل توجه است. به عنوان نمونه، مراجع [۴۲] در مطالعه‌ای بیان نموده‌اند، کشور ایران، دارای منابع طبیعی فراوانی از جمله نفت، گاز و مواد معدنی است که به طور سنتی سهم قابل توجهی در تولید ناخالص داخلی آن داشته است. با این وجود، اقتصاد ایران به دلیل عوامل داخلی و خارجی که بر تولید ناخالص داخلی آن تأثیر گذاشته‌اند، با چالش‌های متعددی مواجه بوده است. اقتصاد ایران همچنین، دارای درجه بالایی از کنترل دولت است که تأثیر بسزایی بر رشد اقتصادی آن داشته است. اقتصاد ایران دوره‌های رشد سریعی را تجربه کرده، اما تحت‌تأثیر تحریم‌های اقتصادی نیز قرار گرفته است. به طور کلی، رشد سرانه تولید ناخالص داخلی واقعی ایران با دوره‌های رشد و کاهش، نوسان داشته است.

تحریم‌های اقتصادی، جنگ و تغییر سیاست‌های دولت به طور قابل توجهی بر رشد اقتصادی ایران در طول سال‌ها تأثیر گذاشته است. در سال ۲۰۱۱، پس از اعمال تحریم‌های گسترده علیه بخش‌های انرژی، مالی و کشتیرانی ایران، این تحریم‌ها منجر به کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، کاهش صادرات نفت و کاهش دسترسی به بازارهای مالی بین‌المللی شد که همگی بر رشد سرانه تولید ناخالص داخلی واقعی کشور تأثیر نامطلوبی داشتند. تحریم‌ها همچنین منجر به افزایش اقتصاد سایه شده است، جایی که فعالیت‌های اقتصادی غیرقابل تنظیم خارج از اقتصاد رسمی رخ می‌دهد.

به باور مراجع [۴۳ و ۴۴] تحریم‌ها، دسترسی کسب‌وکارها به کانال‌های قانونی مالی و تجاری را با مشکل مواجه کرده که منجر به افزایش فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی شده است. رشد اقتصاد سایه، ساز و کار مقابله‌ای برای مشاغل متأثر از تحریم‌ها بوده، اما منجر به کاهش درآمدهای دولت و از دست دادن کنترل بر اقتصاد شده است. از نظر برخی از پژوهشگران، تحریم‌ها علاوه بر تأثیر مستقیم بر اقتصاد، به از دست دادن فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای ایران نیز منجر شده است. سرمایه‌گذاران خارجی به دلیل خطر نقض مقررات تحریمی که منجر به کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و رشد بخش‌های غیر تحریمی اقتصاد

ایران می‌شود، تمایلی به سرمایه‌گذاری در ایران ندارند. بر این اساس، مراجع [۴۵] اذعان نموده‌اند، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی بر اقتصاد ایران تأثیر منفی گذاشته و منجر به کمبود فناوری‌های مدرن شده و توانایی ایران برای توسعه و رقابت جهانی را محدود کرده است.

علاوه بر این، به بیان مراجع [۴۶] تحریم‌ها چالش‌های مهمی را برای بخش بانکی ایران ایجاد کرده است. محدودیت‌های دسترسی بانک‌های ایرانی به سیستم بانکی بین‌المللی، توانایی آن‌ها را در تراکنش با بانک‌های خارجی به شدت محدود کرده و باعث اختلالات قابل توجهی در تامین مالی تجاری و مبادلات ارزی ایران شده است. آنان خاطر نشان می‌کنند که ناتوانی در پردازش معاملات بین‌المللی منجر به کاهش تجارت شده است که پیامدهای نامطلوبی بر عملکرد کلی اقتصادی کشور ایران داشته است. با این وجود، پس از سال ۲۰۱۵، ایران به یک توافق هسته‌ای مهم با غرب دست یافت. لغو تحریم‌ها به عنوان بخشی از برجام منجر به افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش صادرات نفت شد که تأثیر مثبتی بر رشد سرانه تولید ناخالص داخلی واقعی ایران داشت. در سال ۲۰۱۶، پس از اجرای برجام، رشد تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه افزایش یافت که نسبت به رشد سال قبل بیشتر بود [۴۷].

۳-۴-۲- نرخ ارز

نرخ برابری ریال ایران یکی از شاخص‌های مهم اقتصادی تحت تأثیر تحریم‌ها از زمان انقلاب اسلامی بوده است. نرخ برابری ریال ایران طی سال‌های گذشته نوسانات قابل توجهی را تجربه کرده است. بین سال‌های ۱۹۶۹ و ۱۹۷۹، نرخ ارز در حدود ۷۰ ریال ایران به ازای هر دلار آمریکا نسبتاً ثابت ماند. حتی پس از آغاز اعمال تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران پس از انقلاب ایران، نرخ ارز اندکی کاهش یافت. اما در جریان جنگ ایران و عراق، ریال ایران به دلیل فشارهای اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی با نوسانات شدیدی مواجه شد و در سال ۱۳۶۴ به ۹۱ ریال رسید. پس از جنگ، نرخ ارز برای چندین سال تا زمان انتخاب محمود احمدی‌نژاد در سال ۲۰۰۵ تقریباً ثابت ماند. به موازات تحریم‌های بین‌المللی گسترده‌ای از سوی آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد علیه ایران اعمال شد که به شدت بر اقتصاد ایران به ویژه نرخ ارز تأثیر گذاشت. در نتیجه، نرخ ارز تا رسیدن به اجرای برجام، کاهش قابل توجهی را تجربه کرد که برخی از تحریم‌های ایران را لغو کرد و منجر به افزایش جزئی ریال ایران شد. نرخ ارز در سال ۱۳۹۵ به ۳۰۹۱۴ ریال افزایش یافت، اما به

تولید، باعث افزایش هزینه‌های تولید می‌شود؛ بنابراین عرضه-کننده، قیمت کالا خود را افزایش و تولیدش را کاهش می‌دهد و به تبع این وضعیت، تولیدکننده سعی بر جایگزینی نهاده‌ها می‌نماید و تقاضای کار افزایش خواهد یافت. در نتیجه، ممکن است به‌رغم کاهش تولید، دستمزدها و سطح قیمت‌ها افزایش یابد [۹].

۳-۴-۴- نرخ تورم و ارز

به طور کلی، هزینه تحریم‌های اقتصادی از دو کانال تاثیرگذار است. در ابتدا به دلیل تحریم اقتصادی تعرفه برخی از کالاهای وارداتی و کالاهای سرمایه‌ای و قطعات افزایش می‌یابد و در نتیجه بر قیمت تاثیر می‌گذارد. کانال بعدی، کالاهای اقتصادی هستند که با همان قیمت وارد می‌شوند، اما امکان واردات مستقیم وجود ندارد و باید از چند مرحله وارد شوند و این موضوع، هزینه‌های مبادلاتی را افزایش می‌دهد. همچنین، کاهش ذخایر ارزی کشور نرخ ارز را در بازار موازی غیررسمی افزایش می‌دهد. تورم، نرخ ارز آن‌ها را افزایش خواهد داد؛ زیرا با توجه به ساختار تولید وابسته به واردات، افزایش هزینه‌های تولید و افزایش سطح عمومی قیمت و تورم ایجاد می‌شود. همچنین، با افزایش نرخ ارز، جذابیت بازار ارز افزایش می‌یابد و نقدینگی سرگردان و سایر منابع مالی به سمت این بخش بازار سوق داده می‌شود. این امر منجر به کاهش بهره‌وری و افزایش بیکاری می‌شود و در نتیجه تورم افزایش خواهد یافت. از سوی دیگر کاهش درآمدهای ارزی مواجهه با محدودیت‌های جدی را در پی خواهد داشت [۴۰].

اگر کاهش درآمد منجر به کاهش واردات کالاهای مصرفی شود، به دنبال آن قیمت مصرف‌کننده افزایش یافته و تورم ایجاد می‌شود و اگر واردات کالاهای واسطه‌ای کاهش یابد، تولید و عرضه کالا در بخش‌های مختلف اقتصادی کاهش می‌یابد و در نتیجه قیمت کالا افزایش خواهد یافت. در صورتی که محدودیت واردات کالاهای سرمایه‌ای، باعث کاهش بهره‌وری در بخش‌های اقتصادی شود به دنبال آن بیکاری و تورم افزایش می‌یابد.

۳-۴-۵- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ منبع مهمی به منظور تامین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری برای کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود که مکمل منابع سرمایه داخلی است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نقش تحریک آمیزی در ایجاد شغل و اشاعه فناوری تولید دارد [۴۸]. با توجه به کمبود سرمایه،

دلیل تنش‌ها و بلا تکلیفی ادامه‌دار همچنان نوسان داشت. کاهش اعتماد به اقتصاد ایران و کمبود فزاینده ارز باعث کاهش شدید ارزش ریال شده است. این امر منجر به نرخ تورم بالا، انقباض بیشتر اقتصادی و کاهش سطح زندگی بسیاری از ایرانیان شده است [۴۷].

۳-۴-۳- نرخ تورم

نرخ تورم اقتصاد ایران برای چندین دهه دغدغه سیاست‌گذاران و شهروندان بوده است. در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰، تورم به طور کلی بالا بود و در سال ۱۹۷۴ به بیش از ۵۷ درصد و در سال ۱۹۸۰ به ۴۶ درصد رسید که عمدتاً به دلیل رشد سریع اقتصادی کشور و افزایش مخارج دولت بود. در اواسط دهه ۱۹۸۰ تورم به دلیل اقدامات ریاضتی در کشور و کاهش هزینه‌های دولت کاهش یافت. در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، تورم مجدداً، افزایش یافت و در سال ۱۹۹۳ به بیش از ۴۶ درصد رسید که بخشی از آن به دلیل جنگ ایران و عراق بود که باعث تخلیه منابع کشور و افزایش هزینه‌های دولت شد. دولت همچنین، با تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی مواجه شد که توانایی آن را برای استقراض پول و دسترسی به بازارهای جهانی محدود می‌کرد. در اواسط دهه ۱۹۹۰، با بهبود اقتصاد کشور، تورم تثبیت شد و اندکی کاهش یافت. در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، تورم عمدتاً به دلیل تصمیم دولت برای افزایش هزینه‌ها برای تحریک اقتصاد مجدداً افزایش یافت. تحریم‌ها، دسترسی کشور را به بازارهای بین‌المللی از جمله بازار نفت که منبع حیاتی درآمدی برای کشور است و کمبود کالا و خدمات را به دنبال دارد، دشوارتر کرده است. بنابراین، قیمت‌ها به طور قابل توجهی افزایش یافته و منجر به نرخ تورم بالا شده است. به عنوان نمونه، در سال ۲۰۱۳، یک سال پس از تشدید تحریم‌ها، نرخ تورم ایران به حدود ۴۰ درصد افزایش یافت. علاوه بر این، نوسانات قیمت جهانی نفت نیز تأثیر بسزایی بر اقتصاد ایران داشته است. صادرات نفت بخش قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی ایران را تشکیل می‌دهد و نوسانات قیمت جهانی نفت می‌تواند تاثیر قابل توجهی بر عملکرد اقتصادی کشور داشته باشد. طی دو دهه اخیر قیمت‌های جهانی نفت بی‌ثبات بوده است که این امر منجر به عدم اطمینان و افزایش تورم در ایران شده است [۴۷].

در توضیح اثر تحریم‌ها بر تورم، می‌توان به کاهش عرضه مواد اولیه اشاره نمود، اگر به هر دلیلی عرضه مواد اولیه کاهش، و یا قیمت مواد واسطه‌ای افزایش یابند، این شوک وارده به نهاده‌های

^۱ Foreign direct investment (FDI)

یک سال ممنوع می‌کند. علاوه بر این، رئیس جمهور ایالات متحده حداقل دو تحریم را در فهرست شش تحریمی اعمال شده علیه شرکت‌های خارجی ناقض قانون اعمال کرد. امضای این قانون توسط رئیس جمهور ایالات متحده منجر به اعتراض شدید دولت‌های اروپایی علیه اعمال فراسرزمینی قوانین دولت ایالات متحده شد. در نهایت، با اقامه دعوی علیه ایالات متحده توسط کشورهای اروپایی در سازمان تجارت جهانی^۷ هیئت حل اختلاف، دولت ایالات متحده با معافیت شرکت‌های اروپایی موافقت نمود [۵۲]. اهمیت موضوع این است که سرمایه یک نهاده برای تولید و رشد اقتصادی است. بنابراین، انتظار می‌رود تحریم‌های مالی بر جریان ورودی و تولید سرمایه تأثیر منفی بگذارد. علاوه بر این، توسعه یک محیط پرخطر، خروج سرمایه را تشویق می‌نماید [۵۳].

بر این اساس، مراجع [۵۴] نشان داده‌اند که اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تحریم‌ها بر سرمایه‌گذاری خارجی متفاوت است. تحریم‌ها با کاهش سرمایه در بلندمدت منجر به افزایش هزینه‌های تولید و کاهش سود می‌شود. بنابراین، تعداد فزاینده‌ای از کشورهای در حال توسعه برای اجرای برنامه‌های توسعه خود سعی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارند. ایران از جمله کشورهایی است که به منظور اجرای طرح‌های توسعه‌ای خود به دنبال سرمایه‌گذاری خارجی است، اما تحریم‌های مالی پیامدهای نامطلوبی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی داشته است. در واقع، تحریم‌ها عدم اطمینان ایجاد نموده و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را وادار کرده است که منتظر بمانند و وضعیت را بررسی نمایند [۵۵]. در تحریم مالی، کشور فرستنده از انجام تراکنش‌های مالی، انتقال پول یا سرمایه‌گذاری به کشور دریافت‌کننده خودداری می‌کند. همچنین کشور فرستنده از نفوذ خود در موسسات مالی بین‌المللی استفاده می‌کند تا هرگونه رابطه مالی یا کمک فنی به کشور تحت تحریم را مختل کند یا حتی دارایی‌های کشور را مسدود کند. با اعمال تحریم‌ها، ریسک تجارت و سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و هزینه‌های تامین مالی نیز نسبت به میانگین جهانی و منطقه‌ای افزایش می‌یابد. همچنین افزایش قاچاق و کاهش کیفیت کالاهای وارداتی از دیگر آثار نامطلوب تحریم‌های مالی است. تحریم‌های مالی ممکن است دارایی‌های مالی کشور پذیرنده را هدف قرار دهد. سازمان‌های مختلف دولتی برای سپرده‌گذاری دارایی‌های خود در بانک‌های خارجی حساب بانکی دارند که با مسدود کردن حساب‌های آن-

کشورها در عرصه بین‌المللی سعی در انتقال سرمایه خارجی بیشتر به کشورهای خود دارند و در این بین کشورهای موفق نیز هستند که می‌توانند زمینه ورود سرمایه موفق را فراهم نمایند. در این میان یکی از مهمترین منابع سرمایه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است که به دلیل سهم آن در رشد و توسعه اقتصادی، رقابت سختی بین کشورها برای جذب آن وجود داشته است. زیرا دستیابی به رشد بلندمدت و پایدار مستلزم تجهیز سرمایه است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آن از اهمیت برخوردار است. از سویی، اقتصاد ایران در سال‌های اخیر با تحریم‌های مالی^۱ مواجه شده است. انواع مختلفی از تحریم‌ها به منظور محدود نمودن جریان سرمایه به حساس‌ترین بخش‌ها، اعمال ممنوعیت سفر برای مقامات دولتی یا محدود کردن دسترسی بانک‌های محلی به بازار مالی جهانی هدف‌گذاری شده‌اند. با این وجود، در بسیاری از موارد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند جایگزین واردات و تامین مالی شود [۴۵ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱]. اقتصاد ایران با تحریم‌های مالی همه‌جانبه و تحریم نفتی مواجه شد. اجرای تحریم‌های مالی علیه ایران و همزمانی آن با تحریم‌های انرژی، فشار مضاعفی بر اقتصاد کشور وارد نموده است. عملکرد و اثربخشی تحریم‌های مالی از دو کانال قابل بررسی است. نخست، تحریم‌های مالی روابط مالی و اعتباری با اقتصاد خارجی را مختل می‌کند و بر متغیرهایی مانند تولید، واردات، سرمایه‌گذاری و مصرف تأثیر می‌گذارد. با تحریم‌های مالی به ویژه بانک مرکزی، دسترسی کشور به درآمدهای نفتی و نظام مالی بین‌المللی محدود شده است. در چنین حالتی پروژه‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری مهار می‌شود. دوم، تحریم‌های مالی انتقال منابع (در صورت امکان) و همچنین خروج سرمایه را گرانتر می‌کند. در این شرایط، انتقال سرمایه مستلزم هزینه‌های معاملاتی بیشتری برای بنگاه‌هاست. همچنین به دلیل خروج سرمایه، ذخایر ارزی کشور کاهش می‌یابد. نگاهی به قوانین تحریمی^۲ اعمال شده علیه ایران برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز و تفاوت اجرای قوانین تحریم ایران و لیبی (ایلسا) و (سیسادا)^۳ موانع این تحریم‌ها برای سرمایه‌گذاری در ایران را نشان می‌دهد. قانون ایلسا^۴ که به قانون داماتو^۵ نیز معروف است، هرگونه سرمایه‌گذاری فراسرزمینی^۶ یا ترکیبی از سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران را بیش از ۴۰ میلیون دلار در طول

¹ Financial Sanctions

² Sanction's laws

³ Iran and Libya (ILSA) and (SISADA)

⁴ The ILSA Act

⁵ Damato Act

⁶ Extraterritorial Investment

⁷ World Trade Organization(WTO)

نفت ایران در سال ۲۰۱۲، به میزان ۶۹ میلیارد دلار بود که به طور قابل توجهی کمتر از ۹۵ میلیارد دلار تولید شده در سال ۲۰۱۱ بود [۵۸]. بنابراین، سهم بازار ایران چه در سطح جهانی و چه در اوپک به همین نسبت کاهش یافت. محدودیت‌های جدید بیشتر دستاوردهای کشور از دهه ۱۹۹۰ را از بین برد. تحریم‌های تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری در بخش نفت ایران نیز تشدید شده و منجر به لغو پروژه‌های جدید توسط چندین شرکت خارجی شد که تأثیر منفی بر پروژه‌های موجود گذاشت. اقدامات ایالات متحده و اتحادیه اروپا سرمایه‌گذاری در مقیاس بزرگ در بخش نفت و گاز ایران را ممنوع و دسترسی این کشور به منابع مبادلات مالی را قطع کرد. علاوه بر این، اتحادیه اروپا، نفت ایران را تحریم و شرکت‌های بیمه دریایی پی‌اند‌آی کلابز^۱ را از ارائه بیمه دریایی به شرکت‌های نفت ایران منع کرد [۵۹]. این تحریم‌های مرتبط با بیمه، به‌ویژه در جلوگیری از صادرات ایران مؤثر بود که بر واردکنندگان اروپایی و مشتریان آسیایی ایران تأثیر گذاشت و آن‌ها را مجبور به توقف موقت واردات شدند. از سوی دیگر، لغو تحریم‌ها در سال ۲۰۱۶ به دنبال اجرای توافق هسته‌ای ایران منجر به افزایش قابل توجه رانت نفت (درصد تولید ناخالص داخلی) به ۱۵،۴۴ درصد در همان سال شد. تولید نفت ایران ۸۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت که از سطح قبل از تحریم‌ها فراتر رفت. ایران سهم بازار خود را احیا کرد و در سال ۲۰۱۷ پس از ایالات متحده، عربستان سعودی و روسیه به چهارمین تولیدکننده بزرگ نفت جهان تبدیل شد [۴۷].

۳-۵- تأثیر تحریم‌ها بر پروژه‌های نفتی

از آن جایی که قدرت سرمایه‌ای صنعت همیشه زیاد بوده و سرمایه زیادی برای توسعه این بخش لازم است، تأثیر اولیه تحریم‌های مالی سرمایه‌گذاری آمریکا برای تأمین مالی پروژه‌های توسعه بر روی نفت ایران بوده است. کمبود سرمایه داخلی، سرمایه‌گذاری در بخش نفت، پروژه‌های توسعه‌ای را به تعویق می‌اندازد. ذخایر نفت ایران اغلب عمر بالایی دارد و برخی از تجهیزات آن در دوران جنگ ایران و عراق به شدت آسیب دیده است. از این رو، ایران برای افزایش تولید نفت و گاز نیاز به توسعه میادین نفتی خود دارد. توسعه میادین نفتی مستلزم سرمایه‌گذاری بالایی است که ایران چنین بودجه‌ای ندارد و همچنین به دلیل شرایط بین‌المللی قادر به استقراض نیست [۶۰]. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که تحریم‌ها و مشوق‌ها در درجه اول

ها، مقدار قابل توجهی از دارایی کشور تحریم شده از معاملات خارج شده و بلااستفاده می‌ماند. کشورهای فرستنده سعی می‌کنند، سرمایه‌گذاران بین‌المللی در بازارهای مالی را متقاعد نمایند که در کشور هدف سرمایه‌گذاری نکنند [۴۵]. در نهایت، انتظار می‌رود تحریم‌های مالی بر رشد اقتصادی کشور تأثیر بگذارد، زیرا تحریم بر سرمایه‌گذاری تأثیر نامطلوب می‌گذارد. کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد و بر توسعه اقتصادی تأثیر می‌گذارد. به طور کلی، تحریم با ایجاد یک محیط پرخطر، تمایل به سرمایه‌گذاری در اقتصاد را کاهش می‌دهد [۵۳].

۳-۴-۶- نفت

اقتصاد ایران به شدت به صنعت نفت و گاز خود متکی است که طی دهه‌ها، نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی کشور داشته است. ایران دارای چهارمین ذخایر بزرگ اثبات شده نفت خام در جهان و دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی است [۵۶]. بخش نفت، حدود ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی را تأمین می‌کند [۵۷] و به گفته واحد اطلاعات اکونومیست از نظر تاریخی، صادرات نفت حدود ۸۰ درصد از کل درآمد صادراتی ایران و ۵۰ تا ۶۰ درصد درآمد دولت را تشکیل می‌دهد [۵۸].

تولید نفت خام در ایران در چهار دهه گذشته به دلیل اتفاقات سیاسی رخ داده در کشور، سابقه پر فراز و نشیبی داشته است. انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ و جنگ ایران و عراق به شدت بر میزان تولید تأثیر گذاشت و باعث کاهش قابل توجه تولید نفت خام شد. علاوه بر این، تحریم‌های گسترده بین‌المللی از طرف‌های مختلف، که در طی زمان تشدید شده‌اند، به‌طور چشمگیری بر صنعت و اقتصاد نفت ایران تأثیر گذاشته است. پس از پایان جنگ، نرخ تولید نفت خام ایران تقریباً به ۳ میلیون بشکه در روز تثبیت شد و حتی با اعمال تحریم‌های یک‌جانبه نیز، کاهش چشمگیری نداشت. با وجود تحریم‌ها، رانت نفت ایران (درصد تولید ناخالص داخلی) تا زمان تشدید تحریم‌ها از طرف‌های مختلف، نسبتاً ثابت ماند. با افزایش تحریم‌ها، نرخ تولید نفت خام ایران در سال‌های اخیر حدود ۶۰ درصد کاهش یافت. کاهش صادرات نفت به طور قابل توجهی بر عملکرد کلی اقتصادی ایران تأثیر گذاشته است، زیرا صادرات نفت خام منبع اصلی درآمدهای ارزی کشور است. در سال ۲۰۱۲، صادرات نفت خام ایران به پایین‌ترین سطح خود از سال ۱۹۸۶ کاهش یافت، زیرا تحریم‌های تشدید شده بخش نفت ایران را هدف قرار داد. درآمد صادرات

^۱ P&I Clubs

بر میزان سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی موثر است.

۳-۶- تاثیر تحریم‌ها بر نظام مالی و بانکی

تحریم‌های مالی، اغلب به صورت مسدود کردن وجوه خارجی افراد یا نهادهای خاص، عدم پرداخت وام به بانک مرکزی کشورهای هدف، محدود کردن روابط مالی بین‌الملل، دسترسی کشورهای هدف به بازارهای مختلف، خاتمه دادن یا ایجاد محدودیت تأمین مالی خارجی، افزایش هزینه‌های تجاری و محدودیت دسترسی به منابع ارزی کشورهای هدف اعمال می‌گردد. تحریم‌های مالی، باعث افزایش خطر تعامل با شبکه مالی و بانکی کشور هدف می‌شود و همین امر، سرمایه‌گذاری‌های طرف‌های خارجی را کاهش می‌دهد [۶۱]. در ادامه به برخی از عوامل موثر بر این سیستم اشاره می‌شود:

۱. تأثیر بر حساب ذخیره ارزی: کلیه پرداخت‌های مربوط به حساب ذخیره ارزی اعتبارات از روز نخست تحریم تحت تأثیر تحریم قرار گرفته است، زیرا فروشندگان به دلیل عدم امکان معامله اسناد و دریافت کارمزد از ارسال کالاهای مورد قرارداد جلوگیری می‌کنند. در نتیجه، کالاهای اعتباری گشایش شده بلا تکلیف مانده و بانک مرکزی کشور تحریم شده به دنبال بانک جایگزین است.

۲. افزایش خطر منابع بانکی: از آن جایی که بسیاری از مردم ایران با شعب بانک‌های خارج از کشور مبادلات مالی دارند، بنابراین، با اعمال این تحریم‌ها، بخش بزرگی از منابع بانکی در این کشورها در معرض خطر قرار می‌گیرند. اما برخی از مشتریان خارجی نیز با این شعب ارتباط دارند که منجر به این موضوع می‌شود که روند تجارت با شرکت‌ها و اشخاص ایرانی دشوارتر شده و هزینه‌های آن افزایش می‌یابد.

۳. امکان محدودیت بهره‌برداری از دارایی‌ها در خارج از کشور یا بسته شدن سپرده‌ها: در صورت بسته شدن دارایی‌های بانک‌های ایرانی در آینده، سیستم بانکی با زیان‌های جبران‌ناپذیری مواجه خواهد شد و این موضوع باعث می‌شود ذخایر بانک‌ها به شدت در معرض خطر قرار گیرد.

۴. تأثیر بر ریسک اعتباری: با توجه به نگرانی‌ها در خصوص امنیت صادرات، ریسک اعتباری مبادلات با ایران از ابتدای نخستین تحریم بانک‌های ایرانی افزایش یافته و نرخ پوشش بیمه‌ای صادرات کالا به ایران رو به افزایش است و این امر منجر به افزایش هزینه‌ها و قیمت مالی کالاهای صادراتی به ایران می‌شود.

۵. افزایش قیمت کالاهای سرمایه‌ای: رشد فزاینده قیمت کالاهای سرمایه‌ای از ابتدای تحریم‌ها علیه ایران از سوی

کشورهای اروپایی اتفاق افتاده است و این موضوع با توجه به افزایش اندک تورم در این کشورها به موضوع تحریم و ناامنی در کشور ایران باز می‌گردد.

۶. کاهش اعتماد بین‌المللی به سیستم بانکی: اعتماد فروشندگان بین‌المللی به بانک‌های ایرانی به شدت کاهش یافته است به طوری که بر عدم انجام تراکنش با این بانک‌ها تأکید می‌کنند و گسترش این موضوع در سطح گسترده بانکی بسیار جبران‌ناپذیر خواهد بود.

۷. تأثیر بر نیروهای متخصص بانکداری: هزاران کارشناس ارزی تحت تأثیر این موضوع قرار خواهند گرفت و در صورت تداوم، آثار آن بسیار جبران‌ناپذیر خواهد بود.

۸. تحمیل هزینه‌های تأمین مالی: افزایش هزینه‌های تأمین مالی را می‌توان از اثرات مهم تحریم بانک‌ها نام برد. افزایش نرخ حق بیمه تسهیلات، نرخ تنزیل اسناد ایران در بانک‌های خارجی، پرداخت دستمزد بانکی در معاملات با بانک‌های خارجی، هزینه خرید واسطه‌ها، هزینه دستمزد گشایش اعتبارات اسنادی و در نهایت هزینه‌های جایگزین کارگزاران بانکی از جمله هزینه‌هایی است که بانک‌های تحریم شده باید با آن‌ها روبرو شوند.

کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی: مهم‌ترین عاملی که همه بانک‌های تحریم شده را در بر می‌گیرد، امکان کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی داخل کشور و خروج بیشتر سرمایه از کشور به دلیل افزایش زمان و هزینه و ارسال آن به سایر بخش‌ها به ویژه در بخش تولید است [۶۱].

۳-۷- سیاست‌های اقتصادی و بانکی روسیه و درس‌هایی برای ایران

شروع جنگ نظامی روسیه به اوکراین نه تنها برای اقتصاد منطقه اروپا، بلکه برای اقتصاد جهانی به عنوان ضربه بسیار سنگینی محسوب می‌شود. جنگ بین دو کشور که همچنان تولیدکنندگان برجسته مواد خام کشاورزی (غلات، دانه‌های روغنی و سایر محصولات کشاورزی) هستند، به سرعت در پویایی قیمت‌ها در بازار جهانی منعکس شده است. هدف از این تحریم‌ها، تخریب اقتصاد روسیه نبود، بلکه تنها ایجاد انگیزه‌های اضافی برای آغاز مذاکرات صلح آمیز و موثر بود. بنابراین، تفسیر اقتصادی تحریم‌ها و تحلیل پیامدهای آن برای اقتصاد روسیه برای تفسیر صحیح اهداف این تحریم‌ها و احیای تعادل اقتصادی و کشاورزی در منطقه بسیار حائز اهمیت است. تحریم‌های اقتصادی اعمال شده توسط ایالات متحده، بریتانیا، اتحادیه اروپا، ژاپن و سایر کشورها ماهیت چند جهتی داشت. این تحریم‌ها را می‌توان به چند دسته

به شرح ذیل تقسیم کرد:

۱. مسدود کردن ذخایر طلا و ارز بانک مرکزی روسیه و صندوق رفاه ملی کشور روسیه؛
۲. مسدود کردن دارایی‌های تعدادی از بانک‌ها در حساب‌های خارج از کشور روسیه؛
۳. ممنوعیت خرید و واردات مستقیم یا غیرمستقیم اسکناس‌های دلار آمریکا و یورو؛
۴. تحریم بانک‌های خصوصی که از سیستم انتقال بین‌المللی سوئیفت جدا شده‌اند.
۵. تحریم شرکت‌های بیمه و بیمه اتکایی، ممنوعیت حضور رتبه بندی‌های اروپایی برای شرکت‌های بیمه یا بیمه اتکایی؛
۶. تحریم‌های شخصی علیه مقامات بانک مرکزی روسیه و جمهوری بلاروس؛
۷. تحریم تاجران بزرگ که ثروت خود را به دلیل روابط دوستانه با مقامات روسیه به دست آورده‌اند.
۸. ممنوعیت صادرات محصولات با فناوری پیشرفته به روسیه و همچنین محصولات و خدماتی که برای توسعه صنعت نفت و گاز و سایر بخش‌های کلیدی کشور روسیه مهم هستند؛
۹. ممنوعیت صادرات خدمات حمل و نقل و ترافیک مانند صدور گواهینامه هواپیما؛
۱۰. تحریم‌های تجاری که ممنوعیت کامل یا جزئی صادرات کالاها و خدمات به کشور روسیه و همچنین ممنوعیت کامل یا جزئی واردات منابع انرژی از کشور روسیه را فراهم می‌کند. در مجموع، هر ۱۰ گروه تحریم، انواع ریسک‌های زیر را ایجاد می‌کنند: ریسک ارز، ریسک کاهش فعالیت تجاری، ریسک اعتباری و ریسک نرخ بهره [۶۲].

همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد، مجموعه‌ای از تحریم‌های کشورهای غربی برخی از ریسک‌های کلاسیک را برای اقتصاد روسیه ایجاد نموده که شامل ریسک ارز، ریسک نرخ بهره و ریسک اعتباری می‌باشند. در این خصوص مراجع [۶۲] اذعان نموده‌اند، بانک مرکزی روسیه و بلوک اقتصادی دولت روسیه^۱ ابزار و منابع کافی برای مقابله با تحقق عملی این ریسک را در اختیار نداشته‌اند. همچنین، عامل تسهیل کننده ریسک‌های نرخ ارز، نرخ بهره و اعتباری در اقتصاد روسیه، خطر کاهش فعالیت تجاری تحت تاثیر تحریم‌ها است که در این مورد نیز، بانک مرکزی روسیه ابزار کافی برای مقابله با چنین خطری در اختیار نداشته است، که به خودی خود می‌تواند مقیاس اقتصاد روسیه را

کاهش دهد، به عنوان نمونه، نرخ بیکاری را به ۱۵٪ و تورم را از ۲۰٪ در سال ۲۰۲۲ افزایش داده است. افزون بر این، تمام تلاش‌های بانک مرکزی روسیه به منظور کاهش پیامدهای تحریم‌ها، اجرای عملی ریسک‌ها را به تاخیر می‌اندازد، اما در اصل، این راهکار مشکل را حل نمی‌کند. بانک مرکزی روسیه در این خصوص، یک ذخیره ارزی تشکیل داد و صادرکنندگان روسی را مجبور نمود، ۸۰ درصد از درآمدهای ارزی را برای ژانویه و فوریه ۲۰۲۲ بفروشند و این قانون را در ماه مارس ۲۰۲۲ لغو نکرد. افزون بر این، احتمالاً، چنین ذخیره‌ای در ماه‌های آوریل تا می به اتمام می‌رسد، و سپس مجموعه‌ای از ریسک‌ها مجدداً احساس خواهد شد.

از سوی دیگر، شواهد نشان می‌دهد، پس از وقوع جنگ بین روسیه و اوکراین و اعمال انواع تحریم‌ها علیه روسیه، ارزش روبل به شدت کاهش پیدا کرد که با اقدام‌هایی نظیر کنترل حساب سرمایه، افزایش نرخ بهره، الزام خرید گاز طبیعی روسیه به روبل و افزایش ورودی ارزهای نفتی به بازار ارز روسیه، از سوی سیاستگذاران روسی همراه شد. بازگشت ارزش روبل به مقادیر قبل از آغاز جنگ و حتی رسیدن به ارزش بالاتر از آن، پرسش‌های بسیاری در خصوص اثرگذاری اقدام‌های روسیه و سیاست‌های ارزی این کشور مطرح کرده است. پرسش‌هایی نظیر این که چگونه اقدامات روسیه موجب ثبات و بلکه کاهش نرخ ارز شد؟ چه تفاوت‌های اقتصادی بین ایران و روسیه موجب شده تا تاب‌آوری ارزش پول ملی در روسیه بیشتر باشد؟ چه تفاوتی بین سیاست‌های ارزی روسیه و ایران موجب دو نتیجه متضاد در تجربه تحریم دو کشور شده است؟ بررسی تجربه روسیه در حوزه سیاست‌های ارزی می‌تواند درس آموخته‌های ارزشمندی برای اقتصاد ایران داشته باشد. بررسی‌ها بیانگر آن است که دلایل موفقیت اقدام‌های سیاستگذار روسی در کنترل ارزش روبل و نوسانات آن را باید در تفاوت شرایط اقتصادی ایران و روسیه و بالاخص تفاوت در سیاست‌های ارزی روسیه از سال ۲۰۱۷ جستجو کرد. به لحاظ متغیرهای بنیادین اقتصادی مانند رشد نقدینگی، تولید، سرمایه‌گذاری، تورم، صادرات نفتی، ذخایر ارزی، اقتصاد روسیه شرایط کاملاً متفاوتی نسبت به اقتصاد ایران داشته و باید نقش کلیدی برای اصلاح اساسی در سیاست‌های ارزی روسیه در تاب‌آوری اقتصاد روسیه قائل شد.

سیاستگذاران اقتصادی روسیه در راستای اصلاح اساسی در حوزه سیاست‌های ارزی و برای جلوگیری از تکرار نوسانات ارزی و پیش‌بینی پذیر کردن اقتصاد از سال ۲۰۱۷، ورودی ارزهای نفتی

¹ Economic Bloc of the Russian government

پرداخت ارزش گاز صادراتی به روبل ندارد و برخلاف تأثیر مثبت این تجربه در اقتصاد روسیه، توصیه به صادرات ریالی را می‌توان خطرناکترین و در عین حال اشتباه‌ترین توصیه به مقام ارزی ایران تلقی کرد. همچنین اثربخشی افزایش نرخ سود بانکی در ایران بر تراز پرداختها به دلایلی نظیر ریسک و موانع پیش روی ورود سرمایه، منفی بودن نرخ حقیقی سود بانکی در ایران (در مقایسه با مقدار مثبت بهره حقیقی در روسیه)، رکود ناشی از افزایش و مثبت شدن نرخ حقیقی سود بانکی و تشدید ناترازی بانکی در صورت افزایش نرخ سود (افزایش بیشتر هزینه‌های نظام بانکی نسبت به بازدهی دارایی‌ها)، قابل قیاس با اثربخشی این ابزار سیاستی در روسیه نیست [۶۳].

۳-۸- دیپلماسی اقتصادی ایران و تحریم‌های اقتصادی

در بخش‌های پیشین، تحریم‌ها و آثار آن‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. در این بخش، دیپلماسی ایران در خصوص آن‌ها تشریح می‌شود. عصر پرچالش کنونی که برای جمهوری اسلامی ایران، تحریم‌ها و دشواری‌های فراوان و ویژه‌ای را یدک می‌کشد، نظام اقتصادی کشور را لاجرم به اتخاذ یک نظام اقتصاد متناسب با این تحولات و چالش‌های خاص، فراخوانده است. در واقع، حیات نظام اقتصادی کشور در گرو مقاومتی علیه آماج حملات اقتصادی و سیاسی بیرونی و شوک‌ها و تهدیدات داخلی است که علاوه بر کارآمدی در اداره معیشت جامعه، بتواند حضور فعال جمهوری اسلامی ایران را به عنوان الگو و الهام بخش در تحولات جهان میسر سازد [۶۴]. جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که در سه دهه اخیر بیشترین و گسترده‌ترین تحریم‌ها را متحمل شده است. تحریم اقتصادی شرایط اقتصادی کشور را در وضعیتی قرار می‌دهد که با اغلب فروض اساسی علم اقتصاد در تناقض است. حرکت آزادانه سرمایه برای کسب سود بیشتر در شرایطی که کشوری در تحریم قرار دارد، فارغ از معنای عملی و قدرت سیاست‌گذاری است. اعمال سیاست‌های تشویقی برای جذب سرمایه‌های خارجی در دوران تحریم موفق نخواهد بود. اعمال سیاست‌های ارزی برای مدیریت تجارت خارجی کشور تحت تأثیر شرایط تحریم کاملاً متفاوت است. سیاست‌های کلان اقتصادی برای کشوری که امکان تحریم شدن اقتصادی را همواره دارد، متفاوت با کشوری است که دچار این تهدید نیست. کشورهای دچار تحریم عموماً به سیاست‌های خوداتکایی و خودکفایی درون‌زا نیاز دارند. تولید دانش اقتصادی مبتنی بر شرایط تحریم برای اداره کشورهای تحریم شده بسیار ضروری

به بازار ارز را در مقدار حداقلی تثبیت کردند تا از گره زدن نرخ اسمی ارز به درآمد نفت جلوگیری شود. به نوعی تثبیت ورودی ارزهای نفتی در مقدار حداقلی این تضمین را به اقتصاد روسیه داد که کاهش صادرات نفتی (به هر دلیلی) موجب ناطمینانی در نرخ ارز نشود. روسیه با افزایش قیمت نفت در سال ۲۰۱۷، از تکرار اشتباه خود مبنی بر افزایش عرضه ارزهای نفتی در بازار ارز و کاهش نرخ حقیقی ارز و در معرض جهش قرار دادن آن پیشگیری کرد و به جای آنکه افزایش صادرات نفتی خود را تبدیل به کاهش نرخ حقیقی ارز و افزایش واردات کند، آن افزایش منابع ارزی را به افزایش ذخایر خارجی اختصاص داد. بدین صورت که از سال ۲۰۱۷ با خرید ارزهای نفتی توسط وزارت اقتصاد (با عاملیت بانک مرکزی روسیه) از کاهش نرخ حقیقی ارز جلوگیری می‌کرد. با آغاز جنگ و توقف اجرای این سیاست و افزایش ورودی ارزهای نفتی به بازار ارز روسیه، شاهد کاهش نرخ ارز به میزان کمتر از زمان آغاز جنگ هستیم.

در نهایت، مهم‌ترین درس آموخته ایران از تجربه روسیه را می‌توان اصلاح سیاست ارزی سال ۲۰۱۷ روسیه دانست. دلالت مهم این درس آموخته آن است که در صورت افزایش ارزش صادرات نفتی نباید دچار اشتباهات گذشته شد و افزایش منابع ارزی را صرف کاهش نرخ حقیقی ارز و جذابیت واردات (رسمی و غیررسمی) کرد. پیش‌رو بودن تدوین قانون برنامه توسعه هفتم هم فرصت مناسبی برای اعمال اصلاحات اساسی در سیاست‌های ارزی است و می‌تواند نقطه تحول آفرین در افزایش مقاومت اقتصادی ایران در برابر تهدیدهای آتی باشد. یکی از موضوعات دیگری که در خصوص تجربه روسیه و استفاده از آن برای ایران وجود دارد، تفاوت ماهوی سیاست الزام به پرداخت ارزش گاز صادراتی روسیه به اروپا به روبل و موضوع صادرات ریالی مطرح در ایران است. اولاً باید دقت کرد که روسیه صادرات با روبل را نه برای همه کالاهای صادراتی، بلکه صرفاً برای صادرات گاز و فقط برای مشتریان اروپایی الزام کرده است که وابستگی بالا و غیرقابل جایگزینی به گاز روسیه دارند، ثانیاً سیاست روسیه به معنای اطمینان از بازگشت ۱۰۰ درصد ارز حاصل از صادرات است در حالی که در مدل مطرح در ایران به طور کلی بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور نفی می‌شود، بدین صورت که صادرکننده (یا واردکننده خارجی) ارز را در بازار غیررسمی داخل یا خارج کشور به متقاضیان غیرمجاز با مصرف قاچاق یا خروج سرمایه یا نظایر آن واگذار می‌کند و در مقابل آن ریال دریافت می‌کند. از این رو با این توضیح صادرات ریالی مطرح در ایران هیچ ارتباطی با تجربه روسیه در خصوص سیاست الزام به

آن‌ها نیز همواره سعی در مقاوم‌سازی بافت‌ها و ساختارهای خویش داشته‌اند و این امر با تکامل دانش همواره در مسیر خود رو به پیشرفت بوده است؛ بدین معنا که جهت‌گیری تمام نظریه‌های اقتصادی، نیل به این هدف، یعنی قوام و مقاوم‌سازی است. با این مفهوم، استفاده از تجربیات سایر کشورها برای مقاوم‌سازی بافت‌های اقتصادی کشور لازم می‌نماید و چه بسا که در متن سیاست‌های کلی ابلاغی اقتصاد مقاومتی نیز استفاده از فنون و ادبیات رایج اقتصادی به چشم می‌خورد. اقتصاد مقاومتی یک برنامه کوتاه مدت نیست، بلکه پروسه‌ای نظام‌ساز است و لذا صرفاً یک تاکتیک نبوده، مربوط به دوره تحریم نخواهد بود، بلکه اگر تمام همه‌ها هم پایان یابند (و با لحاظ کردن شرایط مکانی-زمانی)، باز هم تمام عناصری که در سند سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی وجود دارد، جزو برنامه‌های کشور خواهد بود و باید به این سیاست‌ها به عنوان الگوی بدیل اقتصادی برای کشور توجه شود [۶۴].

نکته مهم در مورد تأثیرگذاری تحریم، سهم کشورها در تجارت بین الملل است. هرچه سهم کشورها در تجارت بین الملل بیشتر باشد، احتمال تحریم آن‌ها کمتر می‌شود. همچنین هر چقدر سهم تجارت بین الملل در تولید ناخالص داخلی کشور تحریم شده بیشتر باشد، درجه تأثیرپذیری کشور از تحریم‌ها بیشتر می‌شود [۶۷].

با در نظر گرفتن مطالب ارائه شده در بخش حاضر، از آن‌جا که تحریم، بستر و زمینه توسعه سنتی ایران را مختل نموده، لذا پاسخگویی به تحریم نیز باید در همان سطح و اندازه پیگیری شود. در این راستا، هر راهبرد خنثی‌سازی تحریم باید از رهگذر تعریف یک برنامه توسعه‌های جدید بگذرد. توضیح این که نیاز اقتصاد ایران در شرایط حاضر، تعریف نقشی جدید برای خود در عرصه بین الملل است؛ این تعریف را می‌توان «پاسخ دقیق به پدیده تحریم» یا همان «خنثی‌سازی تحریم» تلقی کرد. از این رو، در بخش بعدی، باز تعریف نقش اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی به عنوان رویکرد خنثی‌سازی تشریح می‌گردد و در بخش بعدی نیز، راهکارهای مبارزه با تحریم و خنثی‌سازی اقتصاد ارائه می‌شود.

۳-۹- باز تعریف نقش اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی

اقتصاد ایران با توجه به وابستگی شدیدی که به نفت خام و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات آن دارد باید راهبردهایی برای خنثی‌سازی این رویکرد خصمانه به کار بگیرد تا ضمن ایمن‌سازی اقتصاد ایران از این نوع تهدیدها، با چنین رویکردهای خصمانه‌ای نیز مقابله نماید. با توجه به مباحث مطرح شده در بخش‌های قبلی

است. تبیین اقتصاد تحریم‌نیازی جهانی است که می‌تواند در شرایط معادلات سیاسی و اقتصادی جهان نقش آفرین باشد. از طرفی، با توجه به تأکید بند ۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مبنی بر افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق:

- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان، به ویژه همسایگان؛
- استفاده از دیپلماسی در راستای حمایت از هدف‌های اقتصادی؛
- استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای [۶۵]

دیپلماسی اقتصادی، مجموعه‌ای از اقداماتی (هم در مورد روش‌ها و هم در مورد فرایندهای تصمیم‌گیری بین‌المللی) است. ویژگی عصر حاضر در واقع همان شدت روابط چندجانبه بین دولت‌ها و مردم در سراسر جهان است. این ویژگی باعث می‌شود فرصت‌های بازرگانی شگرف و بزرگی در بازارهای نوظهور پدید آید و این ظرفیت اقتصادی، دلیلی برای توجه روزافزون دانشمندان و سیاست‌گذاران به دیپلماسی اقتصادی و دیپلماسی اقتصادی و سیاست بازرگانی است. دیپلماسی اقتصادی امروزه سیاست و روابط بین‌الملل را به شدت تحت‌تأثیر گذاشته به طوری که سیاست خارجی کشورهای مختلف را در خدمت اهداف اقتصادی قرار داده است. یکی از ابعاد مهم و قابل‌انکای دیپلماسی اقتصادی، نقش آن در توسعه صادرات و بازاریابی در کشورهای هدف است که در صورت برنامه ریزی صحیح نقش بسیار مهمی در رونق تولید خواهد داشت [۶۶].

در واقع، ضرورت باخوانی و ساماندهی دیپلماسی اقتصادی بیش از پیش احساس می‌شود. دیپلماسی اقتصادی تلاقی دو حوزه اقتصاد و سیاست خارجی است. دیپلماسی اقتصادی به دنبال تبدیل کردن منابع قدرت موجود در حوزه اقتصاد به قدرت واقعی و در نتیجه، افزایش اقتدار یک ملت است. در عرصه دیپلماسی اقتصادی بازیگران نهادی بسیاری حضور دارند و همچنین گستردگی فعالیت‌ها از نظر جغرافیایی بر پیچیدگی فعالیت در این حوزه می‌افزاید [۶۴].

برای تبیین و فهم اقتصاد مقاومتی باید توجه داشت که اقتصاد مقاومتی قبل از علم، دین و نقل، یک مفهوم عقلی است. شاهد بر این مدعا این است که در همه تعاملات انسانی و اجتماعی درون و میان جوامع، اصل بر استحکام، مقاومت و قوام است و این یک اصل عقلی است که از منظر دینی نیز بسیار بر آن تأکید شده است. با نگاهی به تجربه سایر اقتصادهای دنیا، متوجه خواهیم شد که تمام

چندبعدی - چندکشوری، اقدام به حل و فصل نیازهای فرامرزی خود ذیل پرونده‌های متعدد کند؛ پرونده‌هایی که هر یک بر پهنه ای خاص از جغرافیا و در نسبت با زنجیره‌هایی از مناطق پیرامونی^۱، معنا و مفهوم پیدا می‌کنند؛ در این راهبرد جدید نمی‌توان انتظار داشت که نیازهای فرامرزی ایران، همگی ذیل یک پرونده منحصر به فرد رفع شوند، بلکه در این راهبرد، برای نیازهای فرامرزی کشور اعم از تأمین و واردات کالاهای اساسی خوراکی، واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای مرتبط با تولید، دسترسی به نقاط تقاطع ارزی و ساز و کارهای تسویه تجاری و ... باید پرونده‌ها و پروژه‌های متعدد طراحی شود؛ تجمیع این پرونده‌ها و وجه قوام بخش آن‌ها را می‌توان «ابتکار راهبردی ایران» نامید؛ ابتکار ایران را به این صورت می‌توان تعریف کرد: «طراحی نسبت راهبردی ایران با فرامرز ذیل برنامه‌ها و پرونده‌های دارای آورده اقتصادی و ایجادکننده درهم تنیدگی سیاسی-امنیتی»؛ پرونده‌ها و برنامه‌های ذیل ابتکار راهبردی ایران باید چند ویژگی اساسی داشته باشند :

- جای‌گیری برنامه‌ها و پرونده‌ها در پهنه‌های جغرافیایی به هم پیوسته و در نسبت با زنجیره‌های ارزش منطقه و فرمانطقه؛ نه صرفاً پرونده‌هایی که در روابط دوجانبه تعریف می‌شوند؛ طبعاً چنین گزاره‌ای نفی مسیر گذشته است؛ مسیری که صرفاً به دنبال پیدا کردن مفرهایی مقطعی برای فروش بیشتر نفت بوده است.
- طراحی نگاهت نهادی داخلی منعطف و دارای قابلیت تصمیم‌گیری و اجرا در نسبت با پرونده‌های برون مرزی؛ فاصله گرفتن از رویکردهای بخشی در بُعد بین المللی و هم بست حوزه های قدرت در «راهبرد ابتکار ایران» نیازمند نگاهت نهادی جدیدی است.
- همسازی و سازگاری راهبرد توسعه صنعتی، برنامه توسعه خطوط انرژی و مسیرهای لجستیکی و در نهایت برنامه آمایش سرزمین کشور با پروژه‌های راهبردی تعریف شده؛ توضیح این که استراتژی توسعه صنعتی، توسعه خطوط انرژی و مسیرهای لجستیکی و برنامه آمایش سرزمین کشور باید با نگاه به جایگاه بین المللی کشور تعریف شوند، نه این که در تدوین برنامه‌های فوق، صرفاً پهنه جغرافیایی خود کشور و ظرفیت‌های درونی استان‌ها مد نظر قرار گیرد.
- تقاطع‌گیری و هم‌بست کردن حوزه های قدرت اقتصادی،

مقاله و همچنین با استفاده از ظرفیت‌های موجود در اقتصاد ایران، تا کنون راهبردهایی (به تفکیک کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت که مورد تأکید و تأیید بسیاری از کارشناسان اقتصادی می باشد) در چارچوب اقتصاد مقاومتی برای مقابله با چالش‌های مختلف ناشی از اعمال تحریم‌های اقتصادی ارائه شده است. در سال‌های اخیر با شکست اکثر تهاجمات دشمن، تحریم‌های شدیدتر اقتصادی در دستور کار قرار گرفته است. این شرایط باعث شد رهبر انقلاب ادبیات جدیدی را برای اقتدار ملی و اقتصادی ترسیم کنند. این عرصه که با ظهور مفهومی به نام اقتصاد مقاومتی تجلی یافت، بیانگر مجموعه سیاست‌هایی است که اقتصاد را براساس شرایط مستحدثه تدوین کرده، و نوعی مقاوم‌سازی، انعطاف پذیری و اقتدار همزمان را برای این حوزه فراهم می‌آورد. نکته اصلی این است که اقتصاد مقاومتی یک تاکتیک نیست، بلکه در فرایندی نظام ساز است و صرفاً ارتباط با تحریم‌ها نخواهد بود، بلکه اگر همه‌ها هم پایان یابند، باز هم باید به عناصری که در سند سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی وجود دارد، به عنوان الگوی بدیل اقتصادی توجه شود. در واقع، حیات نظام اقتصادی کشور در گرو مقاومت علیه آماج حملات اقتصادی و سیاسی بیرونی و شوک‌ها و تهدیدات داخلی است که علاوه بر کارآمدی در اداره معیشت جامعه، بتواند حضور فعال جمهوری اسلامی ایران را به عنوان الگو و الهام بخش در تحولات جهان میسر سازد [۶۸].

افزون بر این، از آن جا که تحریم، بستر و زمینه توسعه سنتی ایران را مختل کرده است، لذا پاسخگویی به تحریم نیز باید در همان سطح پیگیری شود. با توجه به توضیحات پیش گفته، هر راهبرد خنثی سازی تحریم باید از رهگذر تعریف یک برنامه توسعه ای جدید بگذرد؛ توضیح این که نیاز اقتصاد ایران در شرایط حاضر، تعریف نقشی جدید برای خود در عرصه بین‌الملل است. این تعریف نقش جدید را میتوان « پاسخ دقیق به پدیده تحریم» یا همان « خنثی سازی تحریم » تلقی کرد. همان طور که گفته شد تحریم ایران درواقع یک کنش ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک از سوی ایالات متحده آمریکا بوده و تا زمانی که توجیهات چنین سیاستی برای آمریکا برقرار باشد، سیاست آن کشور در تحریم ایران بدون تغییر باقی خواهد ماند؛ بر این اساس، خنثی سازی تحریم که از طریق «جانمایی جدید اقتصاد ایران در عرصه بین الملل» عملیاتی می‌شود، باعث خواهد شد نه تنها نقش تمدنی ایران احیا شود، بلکه ریل‌گذاری پیشرفت کشور نیز صورت گیرد. در راستای پیشبرد راهبرد جانمایی جدید ضروری است، دستگاه سیاستگذاری کشور با احصای نیازهای فرامرزی و طی یک تدبیر

^۱ سیاست خنثی سازی تحریم ها، چارچوبی فراتر از سیاست همسایگی را می‌طلبد، چراکه پیگیری صرف سیاست همسایگی و عدم توجه به فرمانطقه باعث می‌شود مختصات زنجیره های ارزش و تأمین فرمانطقه و به تبع، نقشه ارزی، امنیتی و تجاری برآمده از آن، از نظر دور بماند [۶۹].

سیاسی، امنیتی و اجتماعی.

- سازگار بودن پروژه‌های راهبردی برون مرزی با یکدیگر؛ سازگاری به این معنا که هریک از پروژه‌های برون مرزی تعریف شده نخست، باید بتواند یک یا چند نیاز برون مرزی کشور را مرتفع کند؛ دوم، پیاده سازی آن، چالش و مخاطره ای برای اجرای سایر پروژه‌های برون مرزی ایجاد نکند. به بیان دقیق‌تر، مجموعه پروژه‌های تعریف شده باید در یک سازگاری و هارمونی از بیرون به داخل (کل به جزء یا از محیط بین المللی ایران به داخل کشور)، مجموع‌های از ابزارهای توازن بخش را در نسبت با کنش‌گران بین‌المللی در اختیار نهاد قدرت در کشور قرار دهد.
- ایجاد هارمونی میان استفاده از منابع داخلی پیشرفت و منابع خارجی: در منطق کلان معاملات، این گونه نیست که صرفاً منابع داخلی یا صرفاً منابع خارجی مورد استفاده قرار گیرند، بلکه ترکیبی از هر دو، مورد استفاده قرار می‌گیرد [۶۹].

۴- بحث، نتیجه‌گیری و راهکارها

به‌طور کلی، مطالعه حاضر راهکارهای ارتقاء تاب‌آوری در قبال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران به‌عنوان ابزار سیاست خارجی را مورد بررسی قرار داد. از این رو، این مطالعه نه تنها برای بررسی تاب‌آوری در شرایط تحریم حائز اهمیت است، بلکه برای کمک به مسئولان در درک وضعیت فعلی و بهبود تاب‌آوری و دیپلماسی اقتصادی می‌تواند موثر باشد. همچنین، اعتقاد بر این است که این مطالعه به رفع شکاف‌های مطالعاتی شناسایی شده و به هر میزان کوچکی به بهبود دانش موجود در این زمینه کمک می‌کند.

از سویی، تحریم‌های اقتصادی مهم‌ترین حربه دشمنان برای ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران است. علت اهمیت این نوع از تحریم‌ها این است که آثار سوء آن به صورت مستقیم بر معیشت مردم وارد می‌شود؛ بنابراین بر مسئولان کشور واجب است با برنامه‌ریزی‌های صحیح و واکنش به موقع آثار سوء این بخش بر زندگی مردم را به حداقل برسانند. برای فهم دقیق‌تر مطالب، راهکارهای اجرایی در زمینه مقابله با تحریم باید مدنظر قرار گیرد.

۴-۱- راهکارهای مبارزه با تحریم و خنثی سازی

تحریم‌ها

راهکارهای اجرایی به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند. راهکارهای ناظر بر بخش داخلی عبارت‌اند از: تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که به حضور آحاد مردم در اقتصاد، تولید نقاط اتکا اقتصادی جدید، تقویت تولید ملی، مدیریت واردات،

مدیریت زیرساخت‌های کشور، سیاست‌های حمایتی و پیشرفت علمی و فناورانه منجر می‌شود. در واقع اقتصاد مقاومتی همچنان که از سیاست‌های کلی ابلاغی و محورهای آن مشخص است، یک تاکتیک کوتاه مدت انفعالی و تدافعی منبعث از اقدامات خصمانه دشمن و عکس‌العمل واکنشی به آن نیست، بلکه باوجود دشمنی-های روز افزون نظام سلطه، اقتصاد ایران با جهش و حرکت روبه پیشرفت، به پروژه و فرآیند مقاوم‌سازی خود نیاز دارد، بنابراین اقتصاد مقاومتی، راهبردی کلان، بلندمدت و دائمی است که نتیجه آن مصون‌سازی اقتصاد کشور در برابر هرگونه تهدید یا شوک است. در بخش بین‌الملل نیز راهکارهای به دست آمده عبارت‌اند از: ابراز آثار ناچیز تحریم‌های ظالمانه بر ایران در فضای جهانی و همکاری کشورهای تحریمی دنیا برای مقابله با تحریم‌ها.

جمهوری اسلامی ایران در دولت سیزدهم بر اساس «سند چشم‌انداز ۲۰ساله»، «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی»، «بیانیه گام دوم انقلاب» و «رهنمودها و مطالبات صریح رهبر معظم انقلاب» به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تعقیب دیپلماسی اقتصادی را در حوزه سیاست خارجی در دستور کار خود قرار داده است. دیپلماسی اقتصادی نقطه تلاقی دو حوزه اقتصادی و سیاست خارجی است. دیپلماسی اقتصادی در پی تبدیل منابع موجود قدرت در حوزه اقتصاد به قدرت واقعی و در نتیجه، افزایش اقتدار یک ملت است. دیپلماسی اقتصادی، به مفهوم اولویت یافتن موضوعات اقتصادی در سیاست خارجی است. دیپلماسی اقتصادی تعبیر مشخصی از برخورد اهداف و ابزارهای دیپلماتیک و اقتصادی است که در نهایت اهدافی از جمله «گسترش و تنوع پیوندهای تجاری»، «افزایش سرمایه‌گذاری‌های مشترک خارجی»، «انتقال فناوری»، «تبادل نیروی کار»، «خنثی‌سازی تحریم‌ها» و «ارائه تصویر ملی روشن و والای جمهوری اسلامی ایران» را دنبال می‌کند. جمهوری اسلامی ایران با اتکا به ویژگی‌های ممتاز جغرافیایی، منابع سرشار طبیعی و نیروی کار متخصص می‌تواند و باید به جایگاه واقعی خود در اقتصاد جهانی برسد، اما تحقق این رؤیا به شرطی دست‌یافتنی است که مقدمات آن فراهم آمده باشد [۶۸].

افزون بر این، از زمان وضع تحریم‌های حداکثری علیه ایران، همواره عبارت‌هایی نظیر مقابله با تحریم، خنثی‌سازی تحریم، مقاوم‌سازی اقتصاد در مقابل تحریم، خروج از محدوده تحریم‌پذیری و ... در نظام سیاست‌گذاری کشور به گوش می‌رسد. در نگاه نخست به نظر می‌آید که این مفاهیم واجد یک معنای مشخص بوده و همه کنشگران اقتصادی و سیاسی کشور، فهم

است که تحریم‌ها منجر به افزایش تورم و بیکاری، رشد اقتصادی، افزایش هزینه‌های تولید و رکود عمومی اقتصاد می‌شود، از سوی دیگر باعث کاهش وابستگی اقتصاد ایران به نفت و افزایش قابلیت‌های تولید شده است. این تحریم‌ها قبل از پیشنهاد برنامه هسته‌ای ایران نیز وجود داشته است. از این رو، به نظر می‌رسد راه حل خنثی‌سازی تحریم‌ها حذف آن نیست، بلکه راه‌حل آن اقتصادی قدرتمند برای به حداقل رساندن آسیب‌پذیری اقتصاد ایران است. در این راستا به نظر می‌رسد راهکارهای مهم مقابله با تحریم، ایجاد تفاهم‌نامه‌های تجاری با سازمان‌ها و موسسات به ویژه در سطح منطقه و کارایی داخلی به منظور افزایش ظرفیت داخلی است تا اقتصاد ایران کمتر از این حوزه آسیب پذیر باشد. در واقع، همان‌گونه که بیان شد، با توجه به تهدیدات بالقوه و بالفعلی که از ناحیه تحریم‌های ایالات متحده آمریکا و شرکای وی علیه زیرساخت‌های اقتصادی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تحمیل می‌گردد، امنیت اقتصادی ایران ایجاب می‌کند برای دفاع و کاهش اثرات تحریم‌ها، همچنین شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌های جدید اقتصادی در شرایط تحریم از سیاست‌های مناسب استفاده کند.

در نهایت به منظور بهبود دیپلماسی اقتصادی ایران می‌توان از نتایج و شواهد مطالعات موجود در این بخش بهره برد. به عنوان نمونه، مراجع [۷۰] در این مورد سیاست‌های دیپلماسی دفاع اقتصادی قابل توجهی را ارائه نموده‌اند. از نظر آنان این سیاست‌ها می‌تواند با رویکرد فرصت‌ساز و پیشگام در جهت مقابله با تهدیدات به عنوان الگویی برای بهره‌برداری مسئولان اقتصادی باشد و در صورت عدم توجه و اهتمام به این دسته سیاست‌ها، با تداوم شرایط فعلی و احتمال بالای همراهی دولت‌های اروپایی با آمریکا ایران دچار تحدید سیاسی-اقتصادی خواهد شد و در اثر فشارهای معیشتی ناشی از تحریم‌ها و محاصره اقتصادی و جنگ رسانه‌ای، عملکرد اقتصادی ایران ضعیف و بدین ترتیب زمینه کاهش ضریب نفوذ و قابلیت‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به وجود می‌آید. راهکارهای پیشنهادی در ادامه ارائه می‌شود.

الف) سیاست‌های دیپلماسی دفاع اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در حوزه پولی و مالی برای مقابله و یا کاهش اثرات تحریم‌ها:

۱. ایجاد پیمان‌های پولی دوجانبه و استفاده از پول‌های ملی به عنوان ابزار مبادله با کشورهای (روسیه، چین، ترکیه و ...) مشترک المنافع با ایران.

۲. تنوع بخشی در ابزارهای پولی و مالی هنگام برقراری روابط دوجانبه برای کاهش اثر بلوکه شدن و حاصل نشدن درآمدهای

واحدی از آن دارند، اما بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد که عبارات فوق، برداشت‌های متفاوتی را به ذهن سیاست‌گذاران و مدیران کشور متبادر می‌کنند. بدیهی است تا زمانی که از یک مفهوم واحد، چندین برداشت در ذهن سیاست‌گذاران نقش می‌بندد، نمی‌توان انتظار پیاده‌سازی دقیق آن مفهوم در صحنه عمل را داشت. چه بسا وجود برداشت‌های متفاوت از یک مفهوم نظری مهم باعث شود در مرحله عمل، برنامه‌هایی موازی، غیرمرتبط و بعضاً متضاد در دستور کار بدنه اجرایی دولت قرار گیرد [۶۹].

از سوی دیگر، سیاست‌های کلان اقتصادی برای کشوری که امکان تحریم شدن اقتصادی را دارد، متفاوت با کشوری است که دچار این تهدید نیست. کشورهای دچار تحریم عموماً به سیاست‌های خودانگیزی درون‌زا نیاز دارند. از این رو تولید دانش اقتصادی مبتنی بر شرایط تحریم بسیار ضروری است. ایران از کشورهایی است که در سه دهه اخیر گسترده‌ترین تحریم‌ها را متحمل شده. تحریم اقتصادی شرایط اقتصادی را در وضعیتی قرار می‌دهد که با اغلب فروض اساسی علم اقتصاد در تناقض است، اگرچه فشار حداکثری آمریکا زمینه‌ساز ابتکارات اقتصادی شد، اما باید مقوله خنثی‌سازی تحریم‌ها را به صورت راهبردی دنبال نمود. ایران باید راه غیرقابل تحریم شدن را با انتخاب توسعه تولید با همکاری نیروی تولید داخلی و کشورهای همسو و کاهش مصرف با همکاری مردم دنبال کند و از آن جایی که تحریم‌گذار، تحریم را به عنوان ابزار اصلی خود می‌داند، این امر با اقدامات مقطعی قابل رفع نیست. در واقع آن چه سرنوشت جنگ تحریمی را مشخص خواهد کرد، مدیریت صحیح و ایجاد فرصت‌های لازم برای افراد بویژه جوانان خلاق و متعهد و با تکیه بر توانایی‌های داخلی است [۶۸].

افزون بر این، ماهیت ساختار بودجه‌ای دولت ایران به گونه‌ای است که نفت نه به عنوان سرمایه، بلکه به عنوان درآمد اصلی کشور است. در کنار چنین ساختار حاکم بر اقتصاد کشور، ایران با تحریم‌های فراوان اقتصادی مواجه بوده که، نتایج قابل پیش‌بینی تحریم‌های بیشتر برای ایران، رکود، تورم بالا، افزایش بیکاری و نرخ رشد اقتصادی نزدیک به صفر، فساد، رانت خواری، قاچاق و پولشویی است. تحریم‌ها عدم همکاری اقتصادی با ایران را به همراه دارد و منجر به ریسک بالای همکاری اقتصادی می‌شود. در تحریم اقتصادی، اقتصاد سقوط نکرده، بلکه سرعت پیشرفت و توسعه کشور را کند نموده است. بسیاری از هزینه‌هایی که برای توسعه کشور باید صرف شود، هزینه‌های مقابله با تحریم‌ها بوده است. به طور کلی نتایج این مطالعه حاکی از آن

- ناشی از صادرات.
۳. توسعه رابطه بخش خصوصی ایران با کشورهای دیگر با هدف دنبال کردن سیاست خرید بانک.
۴. ایجاد بانک با عمر کوتاه در کشورهای خاص در جهت انجام پروژه‌های بزرگ.
۵. ایجاد مراکز مالی بین‌المللی به عنوان یک سیستم جامع در مناطق آزاد ایران، جهت اتصال بانک‌های خارجی و بازار سرمایه خارجی.
۶. استفاده از بانکداری مجازی و فین‌تک‌ها در زمینه پرداخت‌ها و عملیات ارزی جهت برقراری روابط بانکی و تسهیل فرایند تسویه مبادلات با کشورها.
۷. به کارگیری پول‌های مجازی برای تمرکز زدایی از دلار حین مبادلات آزاد مالی و اقتصادی بین‌المللی.
۸. حمایت از ایجاد صندوق‌های بیمه توسط کشور خریدار و یا ایجاد سندیکای متشکل از کارگزاران داخلی بیمه به منظور بیمه کشتی‌های ایرانی.
۹. شناسایی بانک‌هایی در اروپا، آسیا، روسیه و چین که اشخاص آمریکایی در آن سهام ندارند، به منظور تأمین مالی کردن شرکت‌های ایرانی.
۱۰. تلاش ایران برای تأمین بیشتر منابع ارزی بانک اکو در جهت وابسته کردن اعضای آن.
۱۱. شناسایی بانک‌ها و شرکت‌های دچار رکود، توسط سفارتخانه‌ها برای برقراری رابطه با آن‌ها جهت رساندن منافع به آن‌ها و تأمین نیازهای ایران.
۱۲. تلاش برای عضوگیری در بانک اکو از سوی ایران در جهت متصل کردن دیگر بانک‌ها با هدف تبدیل شدن بانک اکو به محل تسویه حساب بسیاری از کشورها.
۱۳. رابطه با سازمان‌های بین‌المللی و گروه‌های مانند بریکس، به منظور استفاده از پیمان‌های پولی چندجانبه، سیستم پیام‌رسانی داخلی و بیمه بین اعضا.
- ب) سیاست‌های دیپلماسی دفاع اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در حوزه تجاری برای مقابله و یا کاهش اثرات تحریم‌ها :
۱. ایجاد تنوع و پرهیز از محدودیت در کالاها و خدمات، کشورهای هدف و فعالان اقتصادی داخلی به منظور برقراری روابط تجاری دوجانبه با کشورها.
۲. برقراری روابط تجاری گسترده با بنگاه‌ها و شرکت‌های خصوصی مستقل از دولت‌ها و دارای آزادی عمل بیشتر.
۳. همکاری بیشتر در روابط تجاری با کشورهای مورد تحریم آمریکا و متحدانش.
۴. برقراری روابط تجاری بیشتر با کشورهای همسایه که اشتراکات زبانی، تاریخی و فرهنگی برقرار است به منظور استحکام روابط.
۵. استفاده از ظرفیت ایرانی‌های مقیم خارج کشور برای ایجاد بستر در جهت توسعه روابط تجاری دوجانبه و همچنین انتقال دانش و تکنولوژی مورد نیاز کشور.
۶. حمایت بخش دولتی از تأسیس دفاتر، شعب نمایندگی، مراکز تجاری و مجتمع‌های فروش ایران در بازار هدف عمده کشورها.
۷. خرید شرکت‌های دانش بنیان به ویژه در هند و اروپا برای انتقال و توسعه فناوری مورد نیاز در جهت تولید محصول تحریم شده.
۸. ایجاد و مشارکت در فروشگاه‌های زنجیره‌ای منطقه‌ای جهت عرضه کالای داخلی از طریق برقراری روابط تجاری منطقه‌ای.
- پ) سیاست‌های دیپلماسی دفاع اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در حوزه انرژی برای مقابله و یا کاهش اثرات تحریم‌ها :
۱. پیش رفتن به سوی شناسایی شرکت‌های توانایی که چندان مطرح و بزرگ نیستند، به همراه کاهش وابستگی به یکسری از شرکت‌های بزرگ و محدود جهان به بهانه انتقال تکنولوژی و سرمایه.
۲. برقراری رابطه بیشتر با کشورهای مستقل و نیازمند انرژی ایران.
۳. همکاری با گروه بریکس به منظور تأمین امنیت انرژی کشورهای عضو این گروه در بلندمدت و متقابلاً تضمین امنیت بازار فروش ایران از سوی این گروه.
۴. انجام مبادله پایاپای نفت در ازای پول کشورهایی که به کالای آن نیازمند هستیم در جهت تأمین کالا و فروش نفت.
- ت) سیاست‌های دیپلماسی دفاع اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در حوزه روابط دیپلماتیک برای مقابله و یا کاهش اثرات تحریم‌ها
۱. همکاری و هماهنگی بین بخش خصوصی، بنگاه‌های تجاری و بانک‌ها با وزارت خارجه در جهت حضور در ملاقات‌های دیپلماتیک و استفاده از فضای ایجاد شده در جهت بستن قرارداد با شرکت‌های هدف در کشور مدنظر.
۲. استفاده از کانال‌های دیپلماتیک در جهت معرفی کالاها و خدمات، امکانات و ظرفیت‌های داخلی کشورمان و نیز جذب سرمایه‌گذاری خارجی و بازی کردن نقش بازاریابی اقتصادی.
۳. شناسایی منافع که کشورهای هدف ایران به دنبال آن هستند و تصمیم‌گیران آن کشور روی آن مسائل و منافع تأکید دارند، به منظور برقراری رابطه مستحکم همراه با منافع برای دو طرف.
۴. همکاری در قالب ملاقات‌های هدفمند و دوجانبه توسط مقامات دیپلماتیک ایران با کشورهایی که ظرفیت اقدام جداگانه از تحریم

مانند همکاری دفاعی با سازمان شانگهای و عضویت در آن و بهره‌برداری از ظرفیت آن برای مقابله با سیطره‌طلبی آمریکا و متحدانش.

۹. پیگیری تشکیل کمیته‌های حقوقی در سازمان ملل و نهادهایی قضایی جهانی مبتنی بر عام بودن و عدم تبعیض برای مقابله با گسترش ارتش‌های سایبری و تسلط یک جانبه آمریکا بر فضای مجازی.

۱۰. سیاست همکاری‌های بین‌المللی در جهت توسعه نفوذ امنیتی در اقصی نقاط جهان مانند حضور نیروهای دریایی در آب‌های آزاد و اقیانوس اطلس و گذر از کانال سوئز و همکاری با کشورهای ونزوئلا، نیکاراگوآ، اکوادور و کوبا و انعقاد پیمان‌های نظامی دوجانبه و چندجانبه [۷۰].

۵- مراجع

- [1] J. Masters, "What are economic sanctions?", Council on foreign relations, vol. 12, 2019.
- [2] R. Hanania, "Ineffective, Immoral, Politically Convenient: America's Overreliance on Economic Sanctions and What to Do about It", Cato Institute Policy Analysis, vol. 5, pp. 45-64, 2020.
- [3] R. Glini, E. Emsia, "The Effects of Sanctions on Foreign Investment in Iran, the First National develo on the Position of Management and Accounting in the New World of Business", Economy and Culture, vol. 10, 2014.
- [4] M. Nakhavali, "Diplomatic, Consular and Political Relation Between Iran and United States", European Scientific Journal, vol. 9, pp. 123-141, 2013.
- [5] A. JOHNS, "The Johnson Administration, the Shah of Iran, and the Changing Pattern of US Iranian Relations, 1965-1967:Tired of Being Treated like a Schoolboy", Journal of Cold War Studies, vol. 9, pp. 64-94, 2007.
- [6] M. Fahimirad, "The Iran Deal: How the Legal Implementation of the Deal puts the United States at a Disadvantage both Economically and in Influencing the Future of Iran's Business Transactions", Northwestern Journal of International Law & Business, vol. 37, pp.281- 301, 2016.
- [7] R. Takey, S. Maloney, "The self-limiting success of Iran sanctions", International Affairs, vol.87, pp. 1297-1312, 2011.
- [8] S. Lohmann, "The convergence of transatlantic sanction policy against Iran", Cambridge Review of International Affairs, vol. 29, pp. 930-951, 2016.
- [9] L. Turki, B. Mazaheri, "Economic Effects of Financial Sanctions on Iran's Economy", Journal of Economic Research (Sustainable Growth and Development), No. 22 (4), pp. 69-98, 2022 [in persian].
- [10] Armanshargh, "Analysis of the Russian media about today's important words of the leadership", www.Armanshargh.ir, 2018 [In persian].
- [11] G. Khalaji, "Economic sanctions from the perspective of international law with an emphasis on international economic law and the right to development", Encyclopedia of Economic Law, vol. 19(2), pp. 1-20, 2013 [in persian].
- [12] M. Piri, R. Sohrabi, "U.S. extraterritorial sanctions in relation to Iran and its compatibility with the rules of the World Trade Organization", Public Law Studies Quarterly, vol. 50, pp. 45-65, 2019 [in persian].
- [13] Y. Kobayashi, "Economic sanction as foreign policy", Oxford Research Encyclopedia of Politics, 2017.
- [14] M. Fedai, M. Derakhshan, "Analysis of the short-term and

نظام سلطه را دارند (کشورهای همسایه، اسلامی، آفریقا و آمریکای لاتین).

۵. استفاده از روابط مردمی، NGO ها و گروه‌های تجاری کشورها از طریق رایزنی کردن سفارتخانه و اتاق بازرگانی کشورمان.

۶. شناخت پتانسیل‌های نهفته در کشورها و مناطقی در جهان (سرزمین‌های قاره آفریقا) که مورد غفلت قرار گرفته‌اند، توسط دیپلمات‌های ایرانی جهت برقراری روابط دوجانبه.

۷. برقراری روابط با سازمان‌های منطقه ای برای اطلاع رسانی در زمینه فرصت‌های اقتصادی ایران و همچنین دستیابی به اطلاعات بازار کشورهای میزبان.

۸. ایجاد اتحاد و ائتلاف با کشورهای متحد در چهارچوب سازمان‌های بین‌المللی به دلیل الزامات حقوقی محکم‌تر.

ث) سیاست‌های دیپلماسی دفاع اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در حوزه دفاعی-امنیتی برای مقابله و یا کاهش اثرات تحریم‌ها :

۱. تقویت مناسبات و همکاری‌های دفاعی، نظامی و فنی با همسایگان به صورت روابط دوجانبه در زمینه صنایع الکترونیکی، مخابراتی، اپتیکی و مسائل تحقیقاتی و فناورانه وابسته به آن و یا پروژه مشترک تولید یک محصول خاص و بازاریابی آن.

۲. سیاست همکاری با ترکیه، عراق و افغانستان و سوریه و لبنان برای افزایش ضریب امنیت در منطقه و توسعه و تقویت مناسبات دفاعی و امنیتی در قالب رزمایش‌های نظامی همراه با ائتلاف‌هایی مردم محور.

۳. توسعه سیاست همکاری‌های دفاعی چندجانبه میان ایران، چین، روسیه و هند در زمینه سرمایه‌گذاری مشترک و آموزش پروژه‌های نظامی و صنعتی و تهیه و تأمین اقلام و تجهیزات دفاعی.

۴. همکاری‌های دفاعی -امنیتی ایران با کشورهای ساحلی دریای خزر در حوزه‌های مختلف از جمله مبارزه با تروریسم، افراطی‌گری و قاچاق مواد مخدر در چهارچوب پیمان و ائتلافی مستحکم.

۵. سیاست همکاری بین نیروهای دریایی ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس که با ایران اشتراک منافع دارند در ابعاد مختلف تحقیقاتی، آموزشی، فنی و اجرای رزمایش در مقابل توطئه‌های آمریکا و همچنین ایجاد امنیت تنگه هرمز، دریای عمان و شمال اقیانوس هند برای از بین بردن ناامنی‌های ایجاد شده توسط دزدان دریایی.

۶. تدوین سیاست کلی همسو و هم افزا ساز در روابط خارجی، اقتصادی و دفاعی.

۷. توجه به ملاحظات دفاعی-امنیتی در همکاری‌های اقتصادی - امنیتی همچون FATF.

۸. داشتن سیاست نگاه به شرق باهدف موازنه‌سازی در برابر غرب

- [40] Z. Shafaghat Nejad, H. Renani, and M. Ammarzadeh, "The effect of economic sanctions on investment inflow economy in terms of sanctions", 2013 [in Persian].
- [41] J. Basiri, "Effects of sanctions on the Iranian economy." Kaveh fiber textile and apparel industry, 2012.
- [42] A. Momodu, E. Aransiola, T. Adepoju, and I. Okunade, "Global strategy, local action with biogas production for rural energy climate change impact reduction", African handbook of climate change adaptation, vol.67, pp. 1-19, 2020.
- [43] M. Farzanegan and M. Hayo, "Sanctions and the shadow economy: Empirical evidence from Iranian provinces", Applied Economics Letters, vol. 26, pp. 501-505, 2019.
- [44] B. Raynor, "The shadow of sanctions: reputational risk, financial reintegration, and the political economy of sanctions relief", European Journal of International Relations, vol 28, pp. 696-721, 2022.
- [45] G. Biglaiser, D. Lektzian, "The effect of sanctions on US foreign direct investment", International Organization, vol 65, pp. 531-551, 2011.
- [46] K. Mohaddes and M. Raissi, "Compilation, revision and updating of the global var (gvar) database, 1979Q2-2016Q4", 2018.
- [47] I. Abdelbary, R. Elshawa, "Economic Sanctions as a Foreign Policy Tool: A Case Study of the Iran", West Conflict. available at Research Square, 2022.
- [48] R. Eichenberger, "Sanctions are Costly for Citizens but Beneficial for Autocrats: A Political-Economic Perspective", The Economists, vol. 19, pp. 109-23, 2022.
- [49] H. Allen, D. Lektzian, "Economic sanctions: A blunt instrument?" Journal of Peace Research, vol. 50, no.1, pp.121-135, 2013.
- [50] D. Peksen and T. Peterson, "Sanctions and Alternate Markets: How Trade and Alliances Affect the Onset of Economic Coercion", Political Research Quarterly, vol. 69, pp. 4-16, 2016.
- [51] E. Hatipoglu and D. Peksen, "Economic Sanctions and Banking Crises in Target Economies", Defense and Peace Economics, vol. 29, pp. 171-189, 2018.
- [52] S. Razavi and F. Zeynodini, "The Impact of the Return of Secondary U.S. Sanctions on Iran's Oil and Gas Industry: Opportunities and Threats", Energy Law Studies, vol. 4, pp. 37-60, 2018.
- [53] S. Heydarian, M. Pahlavani, S. Mirjalili, "Financial Sanctions and Economic Growth: An Intervention Time-series Approach", Journal of International Economics Studies, vol 51, pp. 1-14, 2021.
- [54] W. Kaempfer, A. Lowenberg, "Handbook of Defense Economics", 2007.
- [55] Y. Mohabati, "Investigating Economic Sanctions and Their Impact on Iran's Economy", Quarterly Journal of Management and Accounting Studies, Special Issue, Fourth International Conference on Management, Entrepreneurship and Economic Development, pp. 46-63, 2018.
- [56] M. Ebrahimi, A. Gholami, and K. Yusoff, "Politics of Oil and Natural Gas the Foreign Policy of Iran", Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, vol. 11, pp. 65-79, 2017.
- [57] C. Nakhle, "GIS Reports: All eyes on Iranian oil", 2022.
- [58] S. Maloney, "Iran's political economy since the revolution", Cambridge University Press, 2015.
- [59] T. Van De Graaf, "The "oil weapon" reversed? Sanctions against Iran and US-EU structural power", Middle East Policy, vol. 20, pp. 145-163, 2013.
- [60] K. Yavari, R. Mohseni, "works of trade and financial sanctions on the Iranian economy," the House and Research, vol. 16, no. 61, pp. 53-9, 2010.
- [61] S. Vesali, M. Torabi, "The effects of sanctions on the economy and banking system", the banks and the economy", 2010.
- [62] V. Shapran, I. Britchenko, "Central Banks Policy Under long-term effects of economic sanctions on economic growth in Iran", Economic Growth and Development Research, vol. 18, pp. 113-132, 2014 [in Persian].
- [15] S. Afesorgbor, "The impact of economic sanctions on international trade: How do threatened sanctions compare with imposed sanctions?", European Journal of Political Economy, vol. 56, pp. 11-26, 2019.
- [16] R. Overy, "The Economic Weapon: The Rise of Sanctions as a Tool of Modern War: Nicholas Mulder", Yale University Press, 2022.
- [17] O. Ozdamar, E. Shahin, "Consequences of economic sanctions: The state of the art and paths forward", International Studies Review, vol 23, pp. 1646-1671, 2021.
- [18] C. Zoepelter, M. Erika, "Sanctions and their impact on children", UNICEF, 2021.
- [19] H. Askari, J. Forrer, H. Teegen, and J. Yang, "Case studies of US economic sanctions: the Chinese, Cuban, and Iranian experience", Greenwood Publishing Group, 2003.
- [20] G. Hufbauer, E. Jung, "What's new in economic sanctions?", European economic review, vol. 130, pp. 103-133, 2020.
- [21] J. Kim, S. Park, and C. Sun, "The Economic Costs of Trade Sanctions: Evidence from North Korea", Available at SSRN 4032573, 2022.
- [22] R. Seelke, R. Nelson, R. Margesson, and P Brown, "Venezuela: background and US Relations", Library of Congress Washington Dc, 2021.
- [23] E. Fishman, "Even smarter sanctions: How to fight in the era of economic warfare", Foreign Affairs, vol. 96, pp. 102-110, 2017.
- [24] J. Biersteker, S. Ecker, M. Tourinho, and Z. Hudakova, "The effectiveness of United Nations targeted sanctions", The Graduate Institute of International and Development Studies, 2013.
- [25] B. Moller, "The Somali conflict: The role of external actors", DIIS report, 2009.
- [26] A. Alnasrawi, "Iraq: economic sanctions and consequences, 1990-2000", Third World Quarterly, vol. 22, pp. 205-218, 2003.
- [27] J. Gordon, "Invisible war: the United States and the Iraq sanctions", Harvard University Press, 2010.
- [28] M. Tarallo, "The Effectiveness of Economic Sanctions as a Security Tool", ASIS International, 2020.
- [29] D. Drezner, "The hidden Hand of Economic Coercion", International Organization, vol. 57, pp 643-59, 2003.
- [30] D. Salehi-isfahani, "Iran's economy 40 years after the Islamic Revolution. Brookings Institute", Retrieved December, vol. 14, 2020.
- [31] Z. Laub, "International Sanctions on Iran", Council on Foreign Relations, 2015.
- [32] A. Cohen, J. Phillips, and O. Graham, "Iran's Energy Sector: A Target Vulnerable to Sanctions", Heritage Foundation, 2011.
- [33] S. Malony, "Iran Political Economy since the Revolution", Contemporary Review of the Middle East, vol. 3, pp. 223-225, 2015.
- [34] B. Coates, "The secret life of statutes: a century of the trading with the Enemy Act", Modern American History, vol. 1, pp. 151-172, 2018.
- [35] B. Ghelidj, E. Rouhi, "The Iran nuclear deal and sanctions relief: implications for US policy", Survival, 63, 183-198, 2021.
- [36] D. Esfandiary, A. Tabatabai, "Iran's ISIS policy". International Affairs, vol. 91, pp. 1-15, 2015.
- [37] S. Bakhroori, B. Jalili, "Determining factors of exchange rate in Iran with an emphasis on the role of economic sanctions", Iranian Journal of Applied Economics Studies, vol. 28, pp 35-58, 2017.
- [38] E. Davidsson, "Towards a Definition of Economic Sanctions", 2011.
- [39] H. Ajili, E. Keshavarz Moghaddam, "The impact of international sanctions on Iran's economic development", development strategy, vol. 36, pp.54-87, 2013.

- [67] H. Marzban, A. Ostadzad, "The impact of economic sanctions on gross domestic product and social welfare for Iran: Generalized stochastic growth model", *Iranian Journal of Economic Research*, vol. 20, pp.37-69, 2015.
- [68] A. Taheri, "strategy of neutralizing sanctions with the tool of economic diplomacy", Iran Online newspaper website, 2022 [in persian].
- [69] F. Torabi, M. Razm Angeh, "Iran's strategic initiative; new positioning and redefinition of Iran's role in the world economy", *Monthly Expert Reports of Islamic Council Research Center*, vol. 31, pp 1-42, 2023 [in persian].
- [70] S. Hosseini, H. Ahmadi, "Economic Defense Diplomacy of J.A. Iran to Counter and Reduce the Effects of Economic Sanctions", *Quarterly Journal of Defense Economics and Sustainable Development*, vol. 6, pp. 47-69, 2021 [in persian].
- Sanctions: Critical Assessment of the Central Bank of the Russian Federation", *VUZF Review*, vol. 7, 2022.
- [63] M. Darabi, M. Khosravi Vishkaei, "Russia's economic policies in dealing with sanctions with a focus on foreign exchange policies and lessons for Iran", the monthly expert reports of the Islamic Council Research Center, vol. 30, pp. 1-24, 2022 [in persian].
- [64] M. Samii Nesab, "Economic Diplomacy, Strategy for Countering Economic Sanctions in the Resistance Economy System", *Afaq Security Quarterly*, vol. 7, pp. 115-147, 2015 [in persian].
- [65] A. Majidi, Z. Zarouni, "The Impact of Sanctions on the Economy of Iran", vol. 10, pp. 11-27, 2022.
- [66] A. Kashian, "Economic diplomacy of the Islamic Republic of Iran in the conditions of sanctions; an outlook on the resistance economy", *Afaq Security Quarterly*, vol 12, pp 57-73, 2018 [in persian].